

# 初期イスラーム神学ムッタズィラ派研究 2

～『ウラマー・イエ・イスラーム』の写本蒐集と校訂翻訳～

青 木 健

\*本論文は、『東洋文化研究所紀要』, 第158冊, 2010年, pp.166(115)–78(203)の「ゾロアスター教ズルヴァーン主義研究1～『ウラマー・イエ・イスラーム』の写本蒐集と校訂翻訳～」の続編である。

## 目次

6. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1)の校訂と翻訳と思想
  - 6-1. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1)の校訂
  - 6-2. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1)の翻訳
  - 6-3. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1)の思想
    - 6-3-1. 全体構造
    - 6-3-2. 『アーバーンの書』とムッタズィラ派の関係
    - 6-3-3. 神の全能性, 預言者の必要性, 人間の自由意思から見たイスラーム反駁
    - 6-3-4. 神の属性否定と超越神観を応用してのゾロアスター教的二元論の擁護
    - 6-3-5. 実体・偶有論から理性的論証を語るゾロアスター教護教論
    - 6-3-6. 理性論から見る善神の最終的勝利の保証
    - 6-3-7. イスラーム思想研究の文脈上の『アーバーンの書』

図表 19: 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1) の構造と成立過程

図表 20: 神の全能性, 預言者の必要性, 人間の自由意思に関するゾロアスター教とイスラームの対立軸

図表 21: 神のシャイイと超越神観を応用してのゾロアスター教的二元論の擁護

## 6. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1) の校訂と翻訳と思想

### 6-1. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1) の校訂: 次に UI-1 の校訂である。

このバージョンについては, 今回入手できた独立写本は以下の 5 つである。

- ・イラン議会図書館所蔵 Majles 87947 Codex 収録分 (Majles 87947 UI-1 と略)
- ・イラン議会図書館所蔵 Majles 86908 Codex 収録分 (Majles 86908 UI-1 と略)
- ・モッラー・フェーローズ図書館所蔵 106 Codex 収録分 (MFL 106 UI-1 と略)
- ・ムンバイ大学ラージャバイ時計台図書館所蔵 BUL Vol. LI 収録分 (BUL UI-1 と略)
- ・メヘルジー・ラーナー図書館所蔵 T-35 Codex 収録分 (MR T-35 UI-1 と略)

校訂に際しては, MFL 106 UI-1 を底本とした。図表 12 (「ゾロアスター教ズルヴァーン主義研究 1」, 『東洋文化研究所紀要』, 第 158 冊, 2010 年 p. 128 を参照) によると, 伝承経路の上では Majles 87947, BUL Vol. LI, MR T-35 の 3 つが HF 蒐集版に遡るのに対し, MFL 106 と Majles 86908 が別系統の情報を伝えていると推定されるからである。そして, この中では, 評価の難しい Majles 86908 よりも, BK 蒐集版に遡る MFL 106 の方が, 原典が判明している分だけ信頼性が高いと判断した。

また, 全 42 節の節分けは筆者によるものである。

- (1) سپاس و ستایش مر خدای را که ما<sup>cxli</sup> بندکانرا بیافرید بخواست و قدرت خویش. همچنانکه مردم و آفریدکاری بقدرت و توانائی او بود. و مرحمت و <sup>cxlii</sup> آمرزیداری برحمت<sup>cxliii</sup> و بخشایش او خواهد بودن. و درود ایزد بر روان آویژه اشو زرتشت اسفنتمان و دین آگاهان و پاکان و نیکان باد تا روز<sup>cxliv</sup> رستخیز.
- (2) و در کتاب الایان<sup>cxlv</sup> چنین یافتم که اصل دین چهار مثله است. نوشته شده<sup>cxlvi</sup>. <sup>cxlvii</sup> خدای تبارک تعالی آنچه سبب و نجات و آخرت و رستکاری بندکانست روزی کند و ما را از نادانی و کمراهی نگاه دارد.
- (3) موبدان موبد کوید که دین بهی از روزگار شاه فریدون تا امروز در ایران شهر بوده است. و تا رستخیز خواهد بودن<sup>cxlviii</sup> و معنی ایران و بهدینانست. و تا این یوم و <sup>cxlix</sup> بر برومند بر جای باشد. و این دین باقی خواهد ماند. و از روزگار شاه آفریدون تا روزگار کشتاسب شاه که زرتشتیان داشته اند آن یک صفت از بهدینی است. و از روزگار کشتاسب<sup>cl</sup> تا روزگار<sup>cli</sup> یزدکرد شهریار بن خسروان بدین دین آویژ بوده اند. و مدت هزار سال پادشاهان ایران بدین دین پادشاهی کرده اند.
- (4) و زرتشت اسفنتمان که نخستین بهم پرسه یزدان رسید بایران ویژه بود. و دیگر در آذربادکان<sup>clii</sup> و از آذربادکان ببلخ آمد. پیش تخت کشتاسب شاه آمد و با صد و بیست مرد از حکیمان و خردمندان ایران زمین مناظره کرد و ایشانرا الزام کرد در سخن. و بعد از آن دعوی پیغمبری کرد و معجزات خواستند و <sup>cliii</sup> آشکارا بنمود چنانچه تا<sup>cliv</sup> رستخیز پوشیده نخواهد بود. پس شاهنشاه کشتاسب و اسفندیار و دیگر بزرگان چون معجزات او بدیدند و <sup>clv</sup> سخن یزدان و امشاسفندان و احوال چون بشنیدند جانها فدا کردند. و رسم بت پرستی و بیدینی

cxli MR T-35 UI-1: non

cxlii MR T-35 UI-1: non ~

cxliii MR T-35 UI-1: ~ non

cxliv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non

cxlv MR T-35 UI-1: الایان

cxlvi Majles 87947 UI-1, MR T-35 UI-1: نشت

cxlvii Majles 86908 UI-1: و

cxlviii Majles 86908 UI-1: بدن

clix Majles 86908 UI-1: non

cl Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: شاه

cli Majles 87947 UI-1: non

clii Majles 87947, Majles 86908 UI-1: آذربادکان

cliii Majles 87947 UI-1: non

cliv MR T-35 UI-1: non

clv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

از ایران بر افکندند. و دین اورمزد<sup>clvi</sup> و داد زرتشت آشکارا کردند و اوستا و زند یاد گرفتند. و مدت هزار سال این دین بهی بود و بماند. و هر که اختیار عجم را بر خواند و باطراف اقلیم سفر کند و کفایت خسروان که بر روی روزگار باقی خواهد ماند مثل او هیچ چیز اندر جهان نیست.

(5) و پس اینهمه جنک و عداوت و کفتکوی و کشش و کوشش يك بدیگر و بیمای و تباهی که بمردم میرسد و ویرانی جهان و مردم نیک که در بلا افتد و در ویشی و بیچارگی و زخم و زندان و دروغ<sup>clvii</sup> زنی بکار خدائی و ناسپاسی و خونخواری و بالاها که در جهان است از کیست و از کجا می آید. اگر گویند که فعل ابلیس نیست بگویند که فعل کیست؟ و این مخالفتی که در میان مذهب ها ست که از<sup>clviii</sup> کیست؟

(6) که ما مردم<sup>clix</sup> بسیار چیز است که بمزد عظیم داریم و شما بکناه عظیم. و بسیار چرا ست که شما بکناه عظیم دارید ما بمزد عظیم و بسیار چرا ست که ما بکناه عظیم داریم شما بمزد عظیم پس چون میگویند که این بدیها فعل ابلیس نیست پس این فعل کیست؟ و اگر<sup>clx</sup> گویند فعل ایزد تعالی است این بدی و دروغ<sup>clxi</sup> زنی و کفتکوی میان مذهب ها و میان مردمان.

(7) میگویند که خدای کریم و رحیم است. و پس این نه از کریمی و رحیمی بود که میان مردم و مذهب چنین خلاف باشد. ما پس روا نداریم بر خدای تعالی این همه ظلم و ستمکاری. و هر که گوید که این همه از خدایست نشاید و کفتن که خدای کریم و رحیم است که میان مردم کفتکوی خیزد از کریمی و رحیمی نبود و بی شفقتی میان پدر و پسر.

(8) و همه اینکه یاد کردیم از نا رحیمی بود نه از رحیمی. و پس اگر چنین است<sup>clxii</sup> به پیغمبر چه حاجت آید؟ چون همه فرمان<sup>clxiii</sup> و امر او ست. و جمله مردم امید میدارند که چون رستاخیز بود ایزد تعالی نیکانرا<sup>clxiv</sup> بهشت جایگاه بود<sup>clxv</sup> و بدکردارانرا عقوبت کند. پس ببايد دانستن که ایزد تعالی از جوهر خویش بنگردد. و چون که از کون بکون همی<sup>clxvi</sup> کردیم و تعلیم نیکی و بدی پذیریم. پس از بیچارگی ایزد بد و بلا میرساند. و کسی حکم ایزد<sup>clxvii</sup>

clvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: اومزد

clvii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: و

clviii Majles 87947 UI-1: non

clix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: بمردم

clx Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: کر

clxi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: و

clxii Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: و

clxiii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: بفرمان

clxiv MR T-35 UI-1: به

clxv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: دهد

clxvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: هستی

clxvii Majles 86908 UI-1: یزد

- تعالی نتواند کردانیدن و جز آنکه اندازه ایزد<sup>clxviii</sup> تعالی است<sup>clxix</sup>.
- (9) پس چون بی حکم او کار نمیتوانیم کردن و بی تقدیر او هیچ چیزی نمی جنبد و بی تدبیر او ببهشت و دوزخ نمیتوان کردن. و پس که یکی ببهشت برد و یکی بدوزخ پس ما را امید بچه است که بخویشتن هیچ نمیتوانیم کردن و<sup>clxx</sup> چون توانیم دانستن که با ما چه خواهد کرد.<sup>clxxi</sup> پس اگر ایزد تعالی فرمود که بد نکنید و نیکی کنید و بر دست شخصی تقدیر بود و آن کسی آن بدی چون با نیکی کرداند. و اگر بد را نتواند کردانیدن چرا بدان سبب که شما می کویند<sup>clxxii</sup> که حکم تقدیر را نتوان کداندین.
- (10) و پس اگر کسی آن بدی را بکرد ایزد<sup>clxxiii</sup> تعالی وی را بدوزخ عقوبت دهد آن نه از سر رحیمی باشد بدان سبب<sup>clxxiv</sup> که رحیمی آن بود که بر بیچاره رحمت کند. و کر کویند که همه بفرمان ایزد<sup>clxxv</sup> تعالی است هر چه خواهد کند. و بی حکم او هیچ کار نیک و بد نتوان کردن. پس هر کس که آن کار میکند از نیک و بد همه بفرمان ایزد است. و چون این درست شود پیغمبر حاجت نباشد. و کر کوید که خدای تعالی همه مردم را کام و آزاد آفرید و بد مردم کنند بی دستوری ایزد<sup>clxxvi</sup> و پس بی حکم خدای<sup>clxxvii</sup> تعالی کار میتوان کردن. چون بی حکم ایزد<sup>clxxviii</sup> تعالی کار نیک و بد میتوان کردن پس بی تقدیر بود.
- (11) و در تابستان باندک چیزی زندگی می توان کرد و در بجهان هم اگر خواهند باندک چیزی هم زندگانی می توان کرد.
- (12) فضل خزان ماننده<sup>clxxix</sup> کرده اند بمرک چرا زیرا که اگر کسی برک زمستان دارد خرم باشد و در وقت مرگ اگر کسی مزدی دارد هم خرم باشد.
- (13) فصل زمستان ماننده<sup>clxxx</sup> کرده اند به آن جهان چرا<sup>clxxxi</sup> که در زمستان اگر در تابستان برک نهاده باشد آسان باشد و کر کسی مزدی کرده باشد پس هم بدوزخ نبرند.

clxviii Majles 86908 UI-1: یزد

clxix MR T-35 UI-1: non

clxx Majles 87947 UI-1: non

clxxi MR T-35 UI-1: و

clxxii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: کوئید

clxxiii Majles 86908 UI-1: یزد

clxxiv Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

clxxv Majles 86908 UI-1: یزد

clxxvi Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: یزد

clxxvii Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: ایزد

clxxviii Majles 86908 UI-1: یزد

clxxix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: مانند

clxxx Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: ماننده

clxxxi Majles 86908 UI-1: non, MR T-35 UI-1: زیرا

- (14) فصل بهار مانند<sup>clxxxii</sup> کرده اند برستاخیز چرا زیرا<sup>clxxxiii</sup> که در بهار همه مردم خرم باشند<sup>clxxxiv</sup>. و سبب آنست که اگر کسی نعمتی دارد و در رسیده بود اگر کسی چیزی ندارد از رنج زمستان برسته باشد.<sup>clxxxv</sup> در رستاخیز هم اگر کسی مزدی کرده باشد پاداش باید و کر<sup>clxxxvi</sup> کسی کنه کرده بود<sup>clxxxvii</sup> از رنج دوزخ برشته باشد.
- (15) و معنی دیگر<sup>clxxxviii</sup> مانده کرده اند بکیتی چرا زیرا که مردم از همه چیزهای کیتی نمونه دارند. چون<sup>clxxxix</sup> خورشید و ماه را دو چشم و ستاره را<sup>cxci</sup> دندان و روز آمده و روز شد را دو گوش و سپهر<sup>cxci</sup> را زبان<sup>cxcii</sup> که میگردد و زمین چون<sup>cxci</sup> گوشت و کوه چون استخوان و آب چون خون و نباتها چون موی و آسمان چون ناخن و هم چنین که کیتی و مردم را یاد کرده آمد.
- (16) اورمزد را و کیتی را گفته است چه هر چه در اورمزد است در کیتی نمونی<sup>cxci</sup> <sup>cxci</sup> همچنانکه یک شخص در کیتی جم<sup>cxci</sup> خرد<sup>cxvii</sup> است کیتی در جم<sup>cxviii</sup> اورمزد خرد است. و اینکه میگویند که هفت آسمان و هفت زمین در اوستا چنین گفته است. یکی آب<sup>cxci</sup> و یکی زمین و یکی نباتها و یکی کوسفند و یکی مردم و یکی آتش. و هفت آسمان دیگر یکی باد پایه و یکی سپهر پایه و یکی ستر پایه و یکی ماه پایه و یکی خورشید پایه و یکی اثر روشنی و یکی کروثمان و الماس و کوهر. و تن مردم هفت طبقه است مغز و مغز استخوان و رگ و پی و گوشت و پوست و موی.

clxxxii MR T-35 UI-1: مانده

clxxxiii MR T-35 UI-1: non

clxxxiv MR T-35 UI-1: باشند

clxxxv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non

clxxxvi Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: وکر

clxxxvii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: باشد

clxxxviii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: مردم

clxxxix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

cxci Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

cxci Majles 87947 UI-1: شبر

cxcii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: زبان

cxci Majles 86908 UI-1: چو

cxci Majles 87947 UI-1: نمون

cxci MR T-35 UI-1: است

cxci MR T-35 UI-1: خورد

cxci Majles 86908 UI-1: خرد

cxci Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: جمع

cxci Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: یکی آسمان

(17) و چند آتش که می‌کویند یکی آنست که بر بالا ست و هیچ چیز نخورد و دیگر در تن مردمان<sup>cc</sup> و جانوارانست او همه چیزها خورد و سه دیگر در نبات ها ست او آبخورد و هیچ دیگر نخورد و چهارم آنست که در پیش ما ست جز از آب همه چیزها خورد و پنجم آتش برق و <sup>ccii</sup> ششم آتش سنگ است نیریو سنگ است که در ناف پادشاهان باشد<sup>ccii</sup>.

(18) دیگر آنکه پرسیدی که در رستاخیز چون آتشی در تن ما باشد بی خورشن چون تواند بود. و جواب معلوم است که خورشید از همه آتشیها گرمتر است و بی خورشن است. معلوم شد<sup>cciii</sup> که خورشن دیو میخورد که گفته آمد که چند دیو در تن مردم ممتاز اند. پرسید که چون خورشن نباشد چون خوشی باشد. ببايد دانست<sup>cciv</sup> که چون از و نیاز نباشد بخورش چه حاجت باشد. چون درج<sup>ccv</sup> وزن نباشد بزن چه حاجت چون درج<sup>ccvi</sup> کرما نباشد بسایه چه حاجت. چون درج سرما نباشد بآتش چه حاجت. <sup>ccvii</sup> چون وزن نباشد بزن چه حاجت<sup>ccviii</sup> و همه آنست که از درجی پناه بدرجی دیگر میبریم و آن درجان<sup>ccix</sup> بیشتر ضد یکدیگر اند و یکدیگر<sup>ccx</sup> را بزندان چه درج سرما کرما بزند و کرما سرما بزندان. دیگر خورش<sup>ccxi</sup> آن خورش<sup>ccxii</sup> که هر چه پیش ما باشد پیش باید. نه چون سیر شویم دیگر نباید. و معلوم است که آرزوی خورش<sup>ccxiii</sup> آنوقت بکار آید که کرسنه باشد و آن وقت که سیر باشند<sup>ccxiv</sup> هیچ چیز نتوانند خوردن. و چون از خوردنیها خرسند شوند دیگر نباید خورد و اگر<sup>ccxv</sup> آن خوردنیها همه بنا خوشی شود و باز گردد.

cc Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

cci Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non ~

ccii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: ~ non

cciii Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non, Majles 87947 UI-1: است

cciv Majles 87947 UI-1: non

ccv Majles 87947 UI-1: non ~

ccvi Majles 87947 UI-1: ~ non

ccvii MFL 106 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non ~

ccviii MFL 106 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: ~ non

ccix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: جات

ccx MR T-35 UI-1: non

ccxi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: خوش

ccxii MR T-35 UI-1: خورشن

ccxiii MR T-35 UI-1: خورشن

ccxiv MR T-35 UI-1: باشد

ccxv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

- (19) و چون سرما باشد جامه<sup>ccxvi</sup> تمام در پوشند بنزدیک آتش شوند<sup>ccxvii</sup> بنشیند. چون<sup>ccxviii</sup> از اندازه در کزرد بنا خوشی باز گردد. هم چنین چون<sup>ccxix</sup> ورن ترونیار وی را رنجاند چون با زن کرد آید چون<sup>ccxx</sup> از<sup>ccxxi</sup> اندازه در کزرد جای سخن گفتن نیست.
- (20) و خوشی کیتی همه برین جملت است<sup>ccxxii</sup> و نا خوشی هم کزرنده است. پس<sup>ccxxiii</sup> خوشی طلب<sup>ccxxiv</sup> باید کرد که هر چند بیش باشد بیش<sup>ccxxv</sup> باید نه هر چند بیش باشد کم باید و خوشی آنست که خدای تعالی<sup>ccxxvi</sup> را بشناسی و دینش قبول کنی و فرمائش بجای آوری و روانرا پرورانی.
- (21) و بدانی که آفریدگار یکیست و دینش یکی. نه آفریدگار باطل شود<sup>ccxxvii</sup> نه دینش و راه یکیست و بیراه بسیار. و آفریدگار یکیست. و جوینده بسیار است.<sup>ccxxviii</sup> هر کوهی<sup>ccxxix</sup> بگونه دیگر خوانند<sup>ccxxx</sup> اول<sup>ccxxxi</sup> از بهدینان باز کویم<sup>ccxxxii</sup> زرتشتیان یزدان را بزرگوار دانند و هست که بچند نامش نخوانند<sup>ccxxxiii</sup>. بحق<sup>ccxxxiv</sup> آفریدگار<sup>ccxxxv</sup> بدین حق که اگر یزدان و جمله<sup>ccxxxvi</sup> امشاسفندان<sup>ccxxxvii</sup> و جمله جهانیان کرد آید بی زمانه یکدانه کاورس در وجود نتوانند آوردن. چه بروزگار در وجود آید.

---

ccxvi MR T-35 UI-1: جا همه

ccxvii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: شود

ccxviii MFL 106 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: چو

ccxix Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: چو

ccxx Majles 86908 UI-1: چو

ccxxi MR T-35 UI-1: non

ccxxii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: بباشد

ccxxiii MR T-35 UI-1: طلب

ccxxiv MR T-35 UI-1: non

ccxxv Majles 86908 UI-1: non

ccxxvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

ccxxvii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: و

ccxxviii Majles 87947 UI-1, MR T-35 UI-1: و

ccxxix Majles 86908 UI-1: گروهی

ccxxx Majles 86908 UI-1: و

ccxxxi MR T-35 UI-1: دادن

ccxxxii Majles 87947 UI-1: مر

ccxxxiii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: خوانند

ccxxxiv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

ccxxxv Majles 86908 UI-1: و

ccxxxvi MR T-35 UI-1: non

ccxxxvii MR T-35 UI-1: non



(22) وروزکار را به آن سبب نوشتیم که بسیار کس بود که ندانند که روزکار زمانست. و دین روزکار توان آموخت و پیشه<sup>cexxxviii</sup> روزکار توان آموخت و ادب بروزکار توان آموخت و زر و باغ بروزکار توان ساخت<sup>cexxxix</sup> و درخت بروزکار بروید و بروزکار بر دهد و صنعت ها بروزکار توان ساخت و در<sup>cexl</sup> وجود همه چیزها<sup>cexli</sup> بروزکار است تمام و راست<sup>cexlii</sup> شود. و نتوان گفت<sup>cexliii</sup> که آفریدگاری بود که روزکار نبود و کر کسی گوید که<sup>cexliv</sup> روزکار شب و روز است ببايد دانست<sup>cexlv</sup> که بسیاری<sup>cexlvi</sup> بوده است که روز و شب نبوده است و زمان بوده است.

(23) و آهرمن را<sup>cexlviii</sup> نیز هر<sup>cexlviii</sup> گروهی بنامی خوانند و بدی از وی شناسند و بی زمان هم چیزی نتوانند کرد<sup>cexlix</sup>. شکفت کاریست که بدین<sup>ccl</sup> شمار<sup>ccli</sup> بد کردار میباشند و نا شایستست که ویرا بد کردار خوانند. و عجب تر آنکه فرمان چنانست که بد می کنید<sup>cclii</sup> که سوي آن بدی که می کنید<sup>ccliii</sup> قفاتان<sup>ccliv</sup> فرمایم و عقوبت روانرا باشد و پیش از رستاخیز.

(24) در دیگر مذهب که<sup>cclv</sup> گویند که کس که بمیرد اگر<sup>cclvi</sup> گناهی دارد رنج کور می کشد تا قیامت و در قیامت چون<sup>cclvii</sup> بر انکیزند کسی که گناهی دارد در دوزخ کنند و هر که مزدی کرده بود در بهشت کنند.

cexxxviii Majles 87947 UI-1: ما

cexxxix MR T-35 UI-1: موخت

cexl MFL 106 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

cexli Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: چیز

cexlii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

cexliiii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: گفتن

cexliv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: کار

cexlv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: گفتن, MR T-35 UI-1: دانستن

cexlvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: بسیار

cexlvii Majles 87947 UI-1: non

cexlviii Majles 87947 UI-1: non

cexlix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: نتواند کردن

ccl Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: کردار

ccli Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: شما

cclii MFL 106 UI-1: non ~

ccliii MFL 106 UI-1: ~ non

ccliv MR T-35 UI-1: قفاتا

cclv MFL 106 UI-1: non

cclvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: از, بمرد اگر, MR T-35 UI-1:

cclvii Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: چو

- (25) و هر گروهی <sup>cclviii</sup> کویند که بهشتی مائیم. و دیگر گروهی می کویند هر چند سال <sup>cclix</sup> آدمی دیگر باشد <sup>cclx</sup> و یا قومی دیگر نه چنین است که شما با خویشنتها <sup>cclxi</sup> نهاده آید که نفس از تن بر آید و در تنی <sup>cclxii</sup> دیگر شود. و رنج و آسایش همه در این جهان <sup>cclxiii</sup> ست و آن جهان <sup>cclxiv</sup> دور نزدیکست. و در هر سخن معنی گفته آید.
- (26) ما می بینم که در این جهان چند جهاتها با دیدار شاید کردن و بر وی زمین از چند کونه جانور است بخورش و پوشش و کوشش. اندر آب نیز <sup>cclxv</sup> می بینیم که <sup>cclxvi</sup> چند کونه جانور یکی اندک <sup>cclxvii</sup> در آب زندگانی توانند <sup>cclxviii</sup> کرد <sup>cclxix</sup> و بر خشکی نتواند کرد <sup>cclxx</sup>. و جانور است که بر خشکی زندگانی تواند کرد <sup>cclxxi</sup> و در آب نتوان کرد <sup>cclxxii</sup>. و جانور هست که در آب و در خاک هر دو زندگانی تواند کرد. و بر بالای ما <sup>cclxxiii</sup> ستاره و ماه و خورشید می بینیم که همه شکل <sup>cclxxiv</sup> دیگر <sup>cclxxv</sup> دارند که هم در بین جهانست بل <sup>cclxxvi</sup> بر بالای تراند. و آنجهان بزرگتر <sup>cclxxvii</sup> جایست. و گروهی فانی می کویند <sup>cclxxviii</sup> و گروهی میکویند <sup>cclxxix</sup> باقی.

- 
- cclviii MR T-35 UI-1: می
- cclix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: وقت
- cclx Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: باشند
- cclxi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: خویشنت
- cclxii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: تن
- cclxiii MR T-35 UI-1: non ~
- cclxiv MR T-35 UI-1: ~ non
- cclxv Majles 87947 UI-1: non
- cclxvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: از
- cclxvii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non
- cclxviii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: تواند
- cclxix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: کردن
- cclxx Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: کردن
- cclxxi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: کردن
- cclxxii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: کردن
- cclxxiii Majles 86908, MR T-35 UI-1: non
- cclxxiv Majles 86908 UI-1: شکلی
- cclxxv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non
- cclxxvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: و
- cclxxvii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: بزرگوار
- cclxxviii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: خوانند
- cclxxix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non

- (27) میانجی باید که بگوید که کدام حقست و کدام باطل. و این سخن راستست بسبب آنکه کس کتابی<sup>cclxxx</sup> در دست دارد و<sup>cclxxxii</sup> دو چشم بر سر مردمان دیگر تا در میان چشم وی کتاب میانجی نباشد آن کتاب نشاید خواندن و<sup>cclxxxiii</sup> میانجی خواندن و روشنائیست بسبب آنکه در تاریکی کتاب نشاید خواندن پس چون در کتاب خواندن میانجی باید در مذهب و راه حق هم<sup>cclxxxiii</sup> میانجی باید. چون جهود گوید که<sup>cclxxxiv</sup> میانجی ما الوفتست. و ترسا گوید<sup>cclxxxv</sup> میانجی ما کشاست. و مسلمان گوید میانجی ما امام است. و رفیضان<sup>cclxxxvi</sup> گویند میانجی ما حق<sup>cclxxxvii</sup> زمانست. و زراثشتیان گویند میانجی ما کسی باید بخرد بزرگ و بهمت بلند و بروان روشن و از همه جهانیان بزورتر و در انصاف دادن از همه کس بانصاف تر و در وقت میانجی کری آفریدگار را نکرد.
- (28) پس با این همه همت بلندی و فربهری بوی بگروند و بهری نه چون دور آهرمن در آید آن نیز که بوی بگرویده باشند<sup>cclxxxviii</sup> دست از فرمان او باز دارند. و کسی که انصاف خواهد دادن داند که چنین است که کفتم<sup>cclxxxix</sup> و تا پنجاه و هفت سال مانده که دامن قیامتست چنین خواهد بود<sup>ccxc</sup> یعنی پنجاه و هفت سال برستخیز<sup>ccxc</sup>.
- (29) و در آن پنجاه و هفت سال آهرمن را دروند<sup>ccxcii</sup> از مرگ کرداری خود<sup>ccxciii</sup> چندان داشته بود که با کمراه کردن مردم نیز دارد و هم در آن کار سلاحش سوده شود و همه کس از جور او برهند و درین معنی چهار فصل سالی<sup>ccxciv</sup> مانده<sup>ccxcv</sup> کرده اند<sup>ccxcvi</sup> و فصل تابستان مانند کرده اند<sup>ccxcvii</sup> باین جهان چرا زیرا که اگر خواهند بتواند کرد.

cclxxx MFL 106 UI-1: non ~

cclxxxii MFL 106 UI-1: ~ non

cclxxxiii MR T-35 UI-1: پس چون در کتاب خواندن

cclxxxiiii MR T-35 UI-1: non

cclxxxv Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non ~

cclxxxvi Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: ~ non

cclxxxvii MR T-35 UI-1: رفیضان

cclxxxviii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: صحف

cclxxxix Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: و

ccxc Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: کفتم

ccxcii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non ~

ccxciii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: ~ non

ccxciv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non

ccxcv Majles 87947 UI-1: سال

ccxcvi Majles 87947 UI-1: مانند

ccxcvii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non ~

ccxcviii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: ~ non

(30) امروز گردش زمانه و احوال دیگر گونه کرده است چه از موبدان و <sup>ccxcviii</sup> خردمندان کمتر کسی مانده اند و واجب دیدم اصل دین به پیدا کردن تا هر کسی سخن از جماعتی که نه بر دین باشد بشنود و این دوستی در دل او باطل نکردد و راه اشوئی بد روندی رها نکنند و از خدای تعالی برستکاری خواهد که این کیتی پتیاره مند ناکاه خواهد گذشت.

(31) موبدان موبد گفت <sup>ccxcix</sup> ایزدان و امشاسفندان که میگویند نام همکارانست و نام خدای تعالی ایزد است و صفت هورمزد و ایزد <sup>ccc</sup> را هیچکس تفسیر <sup>ccci</sup> نتوان گفت. اورمزد بی صفت است و آویژه و نیکی و روشنائی باشد که تا او هیچ بدی و تاریکی نیامیزد. و قومی که مخالفان دین بهند با ما درین مثله خلاف می کنند و گویند نیکی و بدی از خداست. و زراتشت اسفندمان دروغ و خیانت و جهل و ستمکاری و مکر بر ذات خدای تعالی <sup>cccii</sup> روا نداشته است.

(32) پس ما را جواب مخالفان دین باید گفت و کوئیم <sup>ccciii</sup> چون <sup>ccciv</sup> ما را بر کتاب شما و شما را بر کتاب ما اعتقاد نیست و روشن کردن اصل دین بهی خبر دلیل و برهان معقول دست ندهد. شما را با ما دین و مثله خلاف نیست که خدای شناسی بعقل باید کرد. جواب چون دنیا و هر چه در دنیا هست پذیرنده کون و <sup>cccv</sup> فساد اند و هر آینه معلول باشد و معلوم خدای را نشاید و چون موجودات درست شد که خدای تعالی ببیند و آفریدگار آفریده توانند بودن و آفریده را از آفریدگاری چاره نیست. پس واجب کند که خصم گوید که آفریدگاری باید موافقت کند که آفریدگاری هست و آن آفریدگار یزد است. و پس ما بگوئیم که آفریدگار کیتی را که شما صانع عالم خوانید چیزی هست که اسم شهی بر وی افتد یا نه. اگر گویند که نیست نفی باشد پیش ازین درست کرده ایم که عالم را آفریدگاری هست. و پس لازم آید که گویند چون شیئی گفته شد کویم آن چه چیز است که شیئی است لاکالاشا کویم که همه چیزها چنین است که حیوان مثل نباتات جوهریست و آتش مثل نبات نیست و باد مثل خاک نیست اما هر یکی بذات خویش چیزی اند. و کر گویند که آن چیز را هیچ صفت و ذات نیست و شکل و نهاد نیست این سخن محال عقل باشد. و خردمندان پسندند آنکلمه که خدای شناسی بعقل توان کرد بروی محب شود. و چون درست کردیم که آفریدگار کیتی شیئی است و آن شیئی هر آینه موصوف باشد و نزدیک علمای عالم درست است که صانع مجسم نشاید یعنی تنومند معلوم شد که این شیئی که ببرهان معقول درست کرده ایم جسم نیست. و چون آن قسمت <sup>cccvi</sup> اجسام

<sup>ccxcviii</sup> Majles 87947 UI-1: non

که: <sup>ccxcix</sup> Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1:

اورمزد: <sup>ccc</sup> Majles 86908 UI-1:

تغییر: <sup>ccci</sup> Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1:

non: <sup>cccii</sup> Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1:

non: <sup>ccciii</sup> MFL 106 UI-1:

چو: <sup>ccciv</sup> Majles 87947 UI-1:

non: <sup>cccv</sup> Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1:

قسمت: <sup>cccvi</sup> Majles 87947 UI-1:

بیرون آمد بسیط تواند بود چنانکه جانست و عقلست و نور است آنجا شیئی در لاکالا شیا درست میشود.

- (33) و به سبب آنکه نور مانده عقل نیست و نه عقل مانده<sup>cccvii</sup> جان و نه جان مانند<sup>cccviii</sup> خدای تعالی. پس ذات خدای تبارک تعالی. اگر موصوف نبود صفت نفي بودی اثبات لازم آید<sup>cccix</sup> موصوف باشد و چون موصوف باشد جسم نباشد و هر آینه بسیطی تواند بود و برهان معقول درستست که از بسایط دو فعل لازم نیاید و اجتماع ضدین بر همه بسیطی محال بود چنانکه از<sup>cccix</sup> آفتاب روشنی و تیرگی و از آتش گرمی و سردی و از آب تری و خشکی و پس صفت اورمزدی زرتشت گفته است و درست شد و هیچ شبهتی نماند که چیست.
- (34) در اول این مسایل که برهان معقول مزدی نیاورد و آن درست کردیم که صانع عالم شاید که از بسایط باشد و ما<sup>cccxi</sup> و<sup>cccxiia</sup> مقدمه دیگر اجسام می آید که قانون معقول آن آنست که بر محیوس حکم توان کرد و نتوان گفت آن چه عجب است پس می بینم بمعقول درستست.
- (35) مثلا دیواری از گل و خشت است<sup>cccxiia</sup> ظاهرا محال باشد که کویند این دیوار از چوب و<sup>cccxiv</sup> سیمابست یا زرین یا سیمین<sup>cccxi</sup> بینند محال بود که کویند ابریشم است و ما برای العین می بینیم که در عالم روشنائی و تاریکی هر دو هست و نیکی و بدی و دروغ و راست و شکسته و درست و زندگانی و مرگ و اینهمه مخالفت یکدیگر<sup>cccxi</sup> اند. چون درست کرده ایم که از یک جوهر بسیط دو فعل در وجود نتواند آمدن و جمله اوصاف نگویده و افعال بد خصایل نا ستوده هیچ کس بر یزد روا نداشته است و میباید که بدانیم که این که میکند از کجا می آید و اگر خصم گوید که هر یکی بذات خویش پدید می آید بأفریدکاری محتاج نیست.
- (36) آن از دو نوع خالی نبود یا هر یکی از این پدید آمده کان خدای باشند<sup>cccxi</sup> که بخواست خویش ظاهر میکردند و بارادت خویش پنهان میشوند و یا ملک خدای چنانست که بیخواست و ارادت او افعال<sup>cccxi</sup> و اقوال<sup>cccxi</sup> اشیاء پدید می آید و نیست میشود و این هر دو نوع

مانند: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: <sup>cccvi</sup>

مانند: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: <sup>cccvi</sup>

آمد: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: <sup>cccix</sup>

Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non <sup>cccix</sup>

Majles 86908 UI-1: non <sup>cccxi</sup>

Majles 86908 UI-1: non <sup>cccxi</sup>

Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non <sup>cccxiia</sup>

Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non <sup>cccxiiv</sup>

MFL 106 UI-1, Majles 86908 UI-1: آنهین <sup>cccxi</sup>

Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: این دیگر <sup>cccxi</sup>

Majles 87947 UI-1: باشد <sup>cccxi</sup>

Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: اقوال <sup>cccxi</sup>

Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: افعال <sup>cccxi</sup>

- محالست از بهر آنکه نشان عجب بر آفریدگار روا نبود و این دلیل عجیبت.
- (37) و زرتشت اسفندمان میگوید آهریمن است که ایزد تعالی هر چه بدی و نیستی و آوارونی باهتمام او باز گذاشته است تا رستخیز که جهان و جهانیان باشند او نشانه لغت خواهد بود و چون رستخیز آید آهرمن هلاک شود و ببدیهای خویش نیست گردد و قیامت پیدا آید و بعد از آن مرگ و پیری و نیازمندی و دردمندی و خیانت و دروغ در عالم نماند.
- (38) و پس علمای اسلام با ما درین مسائل خلاف کردند و میگویند چون حال برین جمله باشد شما<sup>cccxx</sup> دو آفریدگار روا میدارید و ما میگوئیم که آفریدگار یزد است و آهرمن نیست کنند و باطل کننده<sup>cccxxi</sup> و آفرینش از یزد است و آهرمن را آفریدگار نشاید خواندن و بنزدیک ما او آفریدگار نیست و ما بیرهان معقول درست کرده ایم که ایزد تبارک تعالی جوهر بسیط است و از وی دو فعل لازم نیامد یعنی هستی و نیستی.
- (39) مثله چهارم این طریق سؤال و جواب می افتد تا روشن شود و سؤال میکند که چون افعال خیر را صانع و افعال شر را صانع و دو صانع محال عقل باشد جواب ما را می باید که بدانیم که عقل چه چیز است جوهریست یا عرض و حدی دارد یا نه و این عقل همه کس دارند یا ندارند و کر گویند جوهریست جوهر بی عرض نتواند بود و یا نه عرض حاصل نیاید و شخص تمام عرض<sup>cccxxii</sup> یافته نشود و ما را<sup>cccxxiii</sup> تمام عمر یافته نشود و ما را<sup>cccxxiv</sup> درینباب شخص تمام عقل احتساج افتد و کر گویند عرض است دل عرض لایق زمان کونیم عرض یا چیزی پاینده نیست و حاکمی را نشاید.
- (40) و در اخبار عجم آمده است که نوشیروان عادل از جگیم<sup>cccxxv</sup> بوزرجمهر پرسید که حد عقل چیست. بوزرجمهر گفت چیزی که با هیچ کس تمام<sup>cccxxvi</sup> نیابیم و حد آن معلوم ندارم. پس معلوم میشود که از هر عاقل عقل<sup>cccxxvii</sup> کسی عاقلتر تواند بود و هر قومی بر اندازه تمیز و قوت و رای خود سخن را فراهم آورده باشند و آنرا برهان معقول نام کرده حکم نشاید ببااید اندیشید که بزرگان و عاقلان قانونها نهاده اند و در جهان آشکارا کرده اند و پادشاهان بزرگ و حکیمان فرزانه بران ایستاده بدانکه بیهوده محال نتواند بود چنانکه افلاطون در عهد است تا بیان بایون گفته است چهار طبع است عیسی سه اقلیم گفته و جمله ترسایان<sup>cccxxviii</sup> بر آن مذهب اند و زرتشت و یزدان و آهرمن را گفته است و این بزرگان قانون مذهب عالم می

cccxx Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: بشما

cccxxi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: کنند

cccxxii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: عمر

cccxxiii MFL 106 UI-1: non ~

cccxxiv MFL 106 UI-1: ~ non

cccxxv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non

cccxxvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non

cccxxvii Majles 87947 UI-1: عقلی

cccxxviii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: ترسا

آن مذهب اند و زراتشت و یزدان و آهرمن را گفته است و این بزرگان قانون مذهب عالم می نهاده اند و از زیور عقل عاقل نبوده باشند و سخن ایشان از برهان معقول خالی نتواند بود.

(41) و کنون بسر حکایت خویش آمدم سوال پرسیدی <sup>cccxxxix</sup> که صانع خیر خواهد که صانع شر را هلاک کند و اگر صانع شر خواهد که صانع خیر را هلاک تواند کرد یا نه. اگر گویم نه <sup>cccxxx</sup> دلیلی عجب باشد و کر گویم <sup>cccxxxii</sup> بتواند <sup>cccxxxiii</sup> کویند چرا نمیکند. و سخنی است که با خویشتن فرانهاده اند و <sup>cccxxxiii</sup> جواب <sup>cccxxxiv</sup> اندیشه نکرده اند و <sup>cccxxxv</sup> جواب <sup>cccxxxvi</sup> ما گویم اگر صانع بد و نیک نیستی کند دو فعلی کرده باشد و پیش ازین گفته آمد که از یک جوهر بسیط دو فعلی نیاید و کر صانع نیک و بد نیستی و آوارونی و مرگ نیاید و کر صانع نیک و بدی کند و خصومت کند و آوارونی کرده باشد <sup>cccxxxvii</sup> پس صانع شر را رها <sup>cccxxxviii</sup> کرده است تا ببدی خویش گرفتار شود و بدی او بدو رسیده بود و بدی او نقصان آدمی شود و چون قیامت آید بدی او بنماید و بسبب آنکه مردم عقوبت دوزخ داده باشد و غم و رنج و عقوبت و محنت که از صانع شر <sup>cccxxxix</sup> کم بود <sup>cccxl</sup> و ساز بدی و برک او نماند و هلاک شود. پس معلوم شد که آهرمن نیست کننده <sup>cccxli</sup> است چون بقیامت نیست خواهد کشت که دست الات او نمانده بود. و چنان واجب کند که شر با نیک گردد و همه نیکی بود و در قیامت آهرمن نیست شود <sup>cccxlii</sup> و بعد از آن همه نیکی و کام یزدان بود و دیگر <sup>cccxliii</sup> هر که با وی سخن گوید باید که عاقل <sup>cccxliv</sup> باشد بجهت آنکه عاقل <sup>cccxlv</sup> دو عقل دارد و جاهل یک. پس دو از یکی قوی تر بود <sup>cccxlvi</sup> و مردم عاقل روشن خرد و هوش و کوش و سرود و خرد دارد

<sup>cccxxxix</sup> پرسید: Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1

<sup>cccxxx</sup> نی: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1

<sup>cccxxxi</sup> کویند: MR T-35 UI-1

<sup>cccxxxii</sup> تواند: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1

<sup>cccxxxiii</sup> از: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1

<sup>cccxxxiv</sup> ~ non: MFL 106 UI-1

<sup>cccxxxv</sup> از جواب اندیشه نکردهاند و: MR T-35 UI-1

<sup>cccxxxvi</sup> ~ non: MFL 106 UI-1

<sup>cccxxxvii</sup> non: MFL 106 UI-1

<sup>cccxxxviii</sup> ره: MR T-35 UI-1

<sup>cccxxxix</sup> سر: Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1

<sup>cccxl</sup> شود: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1

<sup>cccxli</sup> non: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1

<sup>cccxlii</sup> non: Majles 87947 UI-1

<sup>cccxliiii</sup> کر: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1

<sup>cccxliv</sup> عقل: Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1

<sup>cccxlv</sup> عقل: Majles 87947 UI-1

<sup>cccxlvi</sup> باشد: Majles 87947 UI-1

و در دین مسلمانان هم این معنی کویند عقل غریزی و عقل اکتسابی. پس درست میشود که مردم عاقل روشن<sup>cccxlvi</sup> خرد<sup>cccxlvi</sup> و هوش و کوش سرود خرد<sup>cccxlvi</sup> دارد و<sup>cccl</sup> در دین مسلمانان هم این معنی کوید عقل عزیزی و عقل اکتسابی پس درست میشود که مردم عاقل دو خرد دارد<sup>cccli</sup> جاهل یکی و هر آینه هیبت دو از یکی قوی تر باشد. پس بسر گفتن آنست که با هیچ جاهل البته مجارای نرود از بهر آنکه جهل در عقل او نقصانی است اصلی است و انصاف نتواند داد و سخن<sup>ccclii</sup> او حکمی نیفتند و خصومت اختیار کند از پنجته گفته اند جواب بجاهل.

(42) شکوه<sup>ccciii</sup> ایزد تبارک و تعالی آنچه صلاح و هدایت همکنانست روزی کناد ما را از جمله رستگار و استوان<sup>ccciv</sup> کرداناد و از کرم خویش و مرحمت این مسائل.

6-2. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1)の翻訳：以下は、上記の校訂の日本語訳である。予め全体の構造を示すと、次の11章に区分することが出来る。(章分け・節分けは筆者による。)

第1章 (1) ~ (2) : 序論

第2章 (3) ~ (5) : イラン史

第3章 (6) ~ (10) : 神の全能性, 預言者の必要性, 人間の自由意思から見たイスラーム反駁

第4章 (11) ~ (16) : 人間と四季と世界と神のアナロジー

第5章 (17) ~ (20) : 聖火の種類と中庸の徳について

第6章 (21) ~ (23) : 創造者としての神, 時間, 悪魔論

第7章 (24) ~ (29) : ユダヤ教・キリスト教・イスラーム・ゾロアスター

cccxlvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: دو

cccxlvi Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: non ~

ccclix Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: ~ non

cccl Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non ~

cccli Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: ~ non

ccclii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1: سخنی

cccliii Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: شکوت

cccliv Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1: non

ccclv Majles 87947 UI-1: استوار



## 教の来世観

第 8 章 (30) ~ (38) : 神の属性否定と超越神観を応用しての二元論擁護

第 9 章 (39) ~ (40) : 実体・偶有論から理性的論証を語るゾロアスター教  
護教論

第 10 章 (41) : 理性論から見る善神の最終的勝利の保証

第 11 章 (42) : 結語

## 第 1 章 : 序論

(1) 我々下僕たちをご自身の意思と力によって創造し賜うた神に讃えあれ。人間と創造は彼の力と能力によってある。(彼の) 慈悲は彼の慈愛を通して現れる。聖ザルトシュト・エスファンタマーンの清純なる靈魂と、教えに通じた者たちと、清純なる者たちと、善なる者たちに、復活の日まで神のご加護あれ。

(2) 『アーバーンの書』<sup>ccclvi</sup> において、私はこのように知った。即ち、教えの基礎は 4 つの論題からなる。(以下のように) 書かれている。至高にして救済と来世と下僕たちの贖いの源である神が、我々を無知からお救い下さいますように。

## 第 2 章 : イラン史

(3) モーベダーン・モーベドはこう言った<sup>ccclvii</sup>。善なる宗教はシャー・フェ

---

<sup>ccclvi</sup> 原文 *ابان* は意味を成さない。Dhabhar 1932, p. 439 は *ابدين* に修正しているが、ゾロアスター教ペルシア語文献の表題にアラビア語 *دين* のブロークン・ブルーラルを想定するのは無理がある。(ゾロアスター教対イスラームの意味で、双数形ならまだ可能性はある。) また、ゾロアスター教の立場からイスラームを反駁した書物の題名が『諸宗教の書』では内容にそぐわない。本稿では MR T-35 の読みに従って、*كتاب الابان* 『アーバーンの書』と修正した。意味は『水の女神の書』で、『諸宗教の書』よりはゾロアスター教的な含意を反映していると思われる。つまり、本書の原典は UI-KB や UI-2 とは異なり、ミフル・ナルセフが起草したズルヴァーン主義改宗令とは別個の著作である。

リードゥーンの時代から今日までイーラーン・シャフルにあった。復活の日までそうである。「イラン」の意味は「善なる教え人たち」である。今日まで[一文意味不明]、この教え(=ゾロアスター教)は存続するだろう。シャー・フェリードゥーンの時代からゴシュタースプ・シャー—彼らはザラートウシュト教徒である—の時代まで、あの1つの属性は「善なる教え人であること(=ゾロアスター教徒であること)」に属している。ゴシュタースプ・シャーの時代からヤズデギルド・シャフリヤール・ブン・ホスラヴァーン<sup>ccclviii</sup>までは、この宗教に純粹だった。1000年間、イランの大王たちはこの宗教によって大王たり得た。

(4) ザルトシュト・エスファンタマーンは最初に神との問答に達した人物であり、イーラーン・ヴィージェ<sup>ccclix</sup>にいた。彼はそれからアーザル・アーバーダガン(=アゼルバイジャン)へ赴き、アーザル・アーバーダガンからバルフへ行った。そして、グシュタースプ・シャーの玉座へ来て、イーラーン・ザミーンの120人の賢者たちと論争し、彼らを論破した。それから、預言者としての宣教を行い、彼らが所望した奇跡を示した。それは、復活の日まで隠されてはいなかったであろうものである。その後、シャーハンシャー・ゴシュタースプとエスファンディヤールとその他の偉人たちは彼の奇跡を見て、神と天使たちの言葉と状況を聴いた時、魂を(ゾロアスター教の為に)犠牲にした。そして、偶像崇拜の習慣と無宗教をイランから撲滅した。彼らはオフルマズドの教えとザルトシュトの法を明らかにし、『アヴェスター』と『ザンド』を学んだのである。この善なる教えは1000年間存続するだろう。イランの支配を望む者は地方を旅する(?)。時代を超えて続いているホスローたちの能力は、

ccclvii 原典『アーバーンの書』の本文は、ここから始まると思われる。

ccclviii サーサーン王朝の最後の皇帝ヤズデギルド3世(在位630-651年)を指す。

ccclix アヴェスター語「アルヤナ・ワエージャフ(=アーリア人の土地)」のペルシア語表記。ここではアゼルバイジャンを含まない地理概念として用いられている。

世界に何もなしとする者のようである。

(5) その後の、この全ての①戦争と②憎悪と③口論と④殺害と⑤相互の骨折りと⑥病気と⑦人間に降りかかってきた荒廃と⑧世界と高みから落ちた善なる人間の破滅と⑨貧困と⑩救いの無さと⑪潰瘍と⑫牢獄と⑬神の御業への虚偽と⑭非武装と⑮残忍と⑯世界の悲運<sup>ccclx</sup>、これらは、誰に由来して、どこから来たのか？ もしもこれが悪魔の所業でないとするれば、一体誰の所業なのだ？ 諸学派の中の不一致は誰に由来するのか？

### 第3章：神の全能性、預言者の必要性、人間の自由意思から見たイスラーム 反駁

(6) 我々人間には大きな功德のあるものが多くあるが、汝たち（＝イスラーム教徒）には大きな罪悪が（ある）。汝たちには大きな罪悪があって我々には大きな功德が（ある）とは、一体どういうことか？ また、我々には大きな罪悪があって汝たちには大きな功德が（ある）とは、一体どういうことか？ もしも、この諸悪は悪魔の現勢イブリースで無いというなら、この現勢フィウルは誰のものか？ もしも、（諸悪が）偉大なる神フィウルの現勢だというなら、諸学派と人間の間での悪と虚偽と争論（になる）。

(7) 彼らは、神は「慈悲深く慈愛遍く」<sup>ccclxi</sup> と言う。だから、人間や諸学派の間でのこのような対立は、慈悲や慈愛に由来するものではない。我々は偉大なる神にこの全ての不正の責を負わせることは出来ない。この全ては神に由来するという人間は、神を「慈悲深く慈愛遍く」と言うことは出来ない<sup>ccclxii</sup>。何

ccclx この部分は、サーサーン王朝が崩壊してゾロアスター教徒が悲惨な状況に直面した7世紀以降の史実を反映していると思われる。

ccclxi 『クルアーン』の *الرحمن الرحيم* を念頭に置いた説明で、「彼ら」はイスラーム教徒を指す。しかし、用心深く *و رحيم و كريم* と一語だけ同義の語に変えている。翻訳では、『クルアーン』訳の通り「慈悲深く慈愛遍く」とした。

故なら、人間の間での争論は慈悲や慈愛に由来しないし、父と息子の間で同情が無いことも（そうである）。

(8) 私が述べた全ては無慈悲に由来し、慈悲からではない。もしそうだとしたら、全ては神の勅令ファルマーン フクムと命令の下にあるとして、預言者の必要性は何か？

多くの人間は復活リスターヘーズに際して、偉大なる神が善人たちには天国に座を与えて下さり、悪人たちには罰を下すと期待している。偉大なる神は、自分自身の本質ジャウハルから不変と知るべきである。我々が生成から生成へ移り、善と悪の教えを受容すればccclxiii、否応無く悪と厄災が神に帰する。しかし、誰も偉大なる神の命令フクムを変更できない。それが偉大なる神の適容であることを除いては。

(9) 彼の命令フクムが無ければ我々は何も出来ず、彼の予定タクディールが無ければ何も動かず、彼の配慮が無ければ天国にも地獄にも行けない。彼が誰かを天国へ、誰かを地獄へ送ったとして、我々にはどんな希望があるか？ 自分では何も出来ないのである。もし、偉大なる神が悪をなさずに善をなせと命じ、個人の手タクディールに予定があったとしたら、その個人はどうやってあの悪を善に変じることが出来るだろうか。もし、悪を変じることが出来なければ、どうして、その理由で、汝は（神の）タクディール フクム予定の命令は変更不能と言うのか？

(10) もし、誰かがあの悪を行って、偉大なる神が彼を地獄で罰したら、それは慈悲から出たものではない。何故なら、慈悲とは不幸な者を慈しむことだからである。もし、彼らが全ては偉大なる神の勅令ファルマーンによると言うなら、彼は何でも欲することを行うのであって、彼の命令フクムなくしては善も悪もなされない。故に、善であれ悪であれ、誰もがやったことは、全て神の勅令ファルマーンによるのである。

ccclxii つまり、一神教では悪の存在も神に帰さざるを得ないので、神を「慈悲深く慈愛遍く」とは表現できないはずだとするイスラーム反駁。

ccclxiii 文脈からすると、「善悪の二元論を受容しなければ、悪が神に帰する」とあるべき。全ての写本がこれで一致しているが、誤りと考えられる。

これが正しいなら、預言者の必要性は無い。もし、偉大なる神は全ての人間に  
 意欲カームと自由アーザードを付与して創造し、人は神の指導ダストゥールなしに悪をなすというなら、偉  
 大なる神の命令フクムなしに行動できることになる。偉大なる神の命令フクムなしに善と悪  
 をなせるとしたら、それは予定タクディールではないのである。

#### 第 4 章：人間と四季と世界と神のアナロジー

(11 = UI-KB: 55)<sup>ccclxiv</sup> 夏には、僅かなもので生きていける。これはこの世で  
 も同じで、望むなら僅かなもので生きていけるのである。

(12 = UI-KB: 56) 秋は、死に似ている。何故か？ 何故なら<sup>ccclxv</sup>、もし冬の  
 食料を持っていたら楽しいだろうし、死の時に善行を持っていたら楽しいだろ  
 う。

(13 = UI-KB: 57) 冬は、あの世に似ている。何故か？ 何故なら、冬には、  
 夏に食糧を蓄えておいたら快いだろうし、善行をしておいたら地獄へ行かず  
 済むのである。

(14 = UI-KB: 58) 春は、復活に似ている。何故か？ 何故なら、春には全  
 の人が幸せである。その理由は、もしも富があったら宮廷まで赴けるだろうし、  
 何も無くても冬の苦しみから自由になる。復活では、善行があれば報償がある  
 し、罪があれば地獄の責め苦がある。

(15 = UI-KB: 59) また、別の意味では、(人間は)世界に似ている。何故か？  
 何故なら、人間は世界のあらゆるものと似たものを持っているのである。太  
 陽と月は両目であり、星辰は歯であり、昨日と明日は両耳であり、天圏は回転

ccclxiv ここから唐突に話題が転換し、第 29 節まで至る。この部分の文章が UI-KB か  
 からの抜粋であることは確実なのだが、何故 UI-1 に挿入されたかは分からない。第  
 30 節から再びイスラーム神学への反論が始まるので、第 11 ~ 29 節は寧ろ省いた  
 方が構成が整う。

ccclxv MR T-35 UI-1 に従って、「何故なら」を補う。この方が前後との整合性がある。

する舌であり、大地は肉であり、山は骨であり、川は血であり、植物は毛であり、天空は爪である。このように、世界と人間は語られるのである。

(16 = UI-KB: 60) オフルマズドについて、そして世界については、オフルマズドの中にあるものは、世界にもある<sup>ccclxvi</sup>とされている。あたかも、1人の個人がこの世では叡智の中心であるように、この世はオフルマズドの叡智の中心にある。7つの天と7つの大地について、『アヴェスター』にはこう言われている。1つは川、1つは天、1つは大地、1つは植物、1つは家畜、1つは人間、1つは火。別の7つの天は、1つは風の段階、1つは天圏の段階、1つは星の段階、1つは月の段階、1つは太陽の段階、1つは無限の光の段階、1つはガロートマーンとダイヤモンドと宝石。人間の体は7層で、脳と骨髄と血管と神経と肉と皮膚と毛である。

#### 第5章：聖火の種類と中庸の徳について

(17 = UI-KB: 61) 彼らが述べている幾つかの聖火とは、第1は高みにあって何も消尽しないもの。第2は人間や動物の身体にあって全てを消尽するもの。第3は植物の中にあつて水だけを消尽して他を消尽しないもの。第4は我々の前にあつて水以外の全てを消尽するもの。第5は稲妻の火。第6は石の火で、それはネールヨーサングにして臍で大王になるもの(?)。

(18 = UI-KB: 62) また、汝が問うには、復活に際して、我々の体内にある火は食料(燃料)なしでどうやって(存続が)可能なのかであった。答えは、太陽はあらゆる火よりも熱いのに、食料(燃料)なしだということである。「食べる」とは、悪魔が食べるのであつて、言われているように、人間の体内には多くの悪魔が巣食っているのである。こう問われているのであるが、食料が無ければ、どんな楽しみがあるのか?(答えとして)もし、アーズとニヤーズ(欲

---

<sup>ccclxvi</sup> MR T-35 UI-1 に従つて、「ある」を補う。

求・欲望の悪魔)が無ければ、食事の必要性があるだろうか？ 全てはこうである。灼熱の悪魔が無ければ、木陰の必要性があるだろうか？ 酷寒の悪魔が無ければ、火の必要性があるだろうか？ ワラン(性欲の悪魔)が無ければ、女の必要性があるだろうか？ 全てはこうである。ある悪魔からの避難所から別の悪魔に行き着いてしまい、悪魔たちはお互いに叩きあい、酷寒の悪魔は灼熱のを叩き、灼熱のは酷寒のを叩くのである。楽しみはあの食料であり、我々の前にあればあるほど、もっと必要になる。満足したら、必要なくなるわけではない。知られているように、食事の欲求は空腹な時に起こる。満腹の時は何も食べられない。多くの食事に満足したら、他は食べられない。多くの食事は全て不快になって逆になる。

(19 = UI-KB: 63) 冬には、彼らは全ての衣服を着て火の近くへ行くが、度を越すと不快になって逆になる。また、ワランが出たら、女と行うようになるが、度を越すと言うべきでないことになる。

(20 = UI-KB: 64) この世の楽しみは、全てこうである。不快は行き過ぎ(から生じるの)である。それ故、あればあるほど求めたくなる楽しみを探してしまい、あればあるほど要らない(楽しみ)ではないのである。楽しみとは、汝が神を知り、彼の教えを受け入れ、彼の命令を奉じ、魂を養うことである。

## 第6章：創造者としての神、時間、悪魔

(21 = UI-KB: 65) 以下のように知るべきである。創造主は1人で、彼の教えも1つである。創造主と彼の教えは無効にはならない。(真の)道は1つだが、道ならぬ道は多い。創造主は1人で、それを求める者は多い。多くの集団が(彼を)別の方法で呼ぶ。最初に、私は善なる教え人に話を戻そう。ザルトシュト教徒は神を偉大な者と知り、彼を多くの名前で呼んでいる。創造主については、もしも神と全てのアメシャスペンタたちと全ての世人たちが行っても、時間が無ければ、ほんの少しでも存在に至ることは出来なかつただろうというのが真

理である。何故なら、(全てのものは) ルーズガールによって存在に至るのである。

(22 = UI-KB: 66) 私は以下のような理由でルーズガールと書いた。多くの人は、ルーズガールが時間だと知らないのである。宗教はルーズガールを通して教えられ、職業はルーズガールを通して教えられ、教養はルーズガールを通して教えられ、黄金と庭園はルーズガールを通して作られ、樹木はルーズガールを通して実をつけ、技術はルーズガールを通して得られ、全てのものはルーズガールを通して存在に至り、完成されて正しくなる。ルーズガールが無いのに創造者があると言うことは出来ない。もし、誰かがルーズガールの仕事とは昼と夜のことだと言うなら、特別なことには、昼と夜が無くとも時間はあると知らなくてはならない。

(23 = UI-KB: 67) アフレマンも、各集団には別の名前と呼ばれ、悪が彼に由来するとも知られているのだが、時間なしでは何も出来ない。驚くべきは、この計算によって悪の行動がなされ、しかも彼(アフレマン)が悪の行為者と呼ばれないことである。もっと驚くべきは、命令が、もし汝が悪を行ったら、汝が行った悪の故に私が[一語不明]を命令し、罰は復活以前に靈魂に下される点である。

## 第7章：諸宗教の現世と来世観

(24 = UI-KB: 49)<sup>ccclxvii</sup> 他の宗派では、人が亡くなって罪を犯していたら、復活まで幽鬼としての苦しみを味わい、復活に際しても罪を犯した者は地獄へ行き、善をなした者は天国へ行く。

(25 = UI-KB: 50) どの集団も、我々は天国にふさわしいと述べている。別の

---

ccclxvii ここから、また突然話が転換する。「他の宗派では」から話が始まることから、これ以前の部分が削除されていることは明白である。同じ UI-KB からの抜粋でも、これ以降は UI-KB の第 49 節以降に当たる。



集団は以下のように述べている。即ち、何年間人間が別の者になろうとも、別の種族に（なろうとも）、汝が自分自身の肉体と（完全に）結び付くことはない。何故なら、靈魂は肉体から離れて、別の肉体へ行くのである。苦しみも安寧も、全てこの世のものである。遠いあの世は近いのである（?）。それぞれの言葉に意味が言われている。

(26 = UI-KB: 51) 私が見るところでは、この世での視覚には幾つかの視点がある。地上には、食べ物においても皮においても仕事においても、幾種類もの動物がいるのである。また、水の中でも、水中なら生きていけるが乾燥した中では無理という動物を見ることが出来る。乾燥した中なら生きていけるが、水中では無理という動物もある。水中でも土中でも生きていける動物もある。我々の上の星辰と月と太陽では、私の見るところ、全てがこの世の姿を持っている。それらはこの世にあるが、より高みにある。あの世は一層偉大だが、ある宗派は移ろいゆくものだと述べている。また、ある宗派は永続すると述べている。

(27 = UI-KB: 52) どこに真理があつて、どこに虚偽が（あるのか）を述べる仲介者が必要である。この言葉は正しい。何故なら、彼が書物を手に持っており、人間の顔には2つの目がある。彼の目と本の間に仲介者が無いと、本は読めない。暗闇では本は読めないので、仲介者は光である。そこで、本を読む時は仲介者が必要であるように、宗派と正しい道の為にも仲介者が必要である。ユダヤ教徒は、「我々の仲介者は *'lwf*<sup>ccclxviii</sup> である」と主張している。キリスト教徒は、「我々の仲介者は *ksk*<sup>ccclxix</sup> である」と主張している。イスラーム教徒は、「我々の仲介者はイマームである」と主張している。異端派は、「我々の仲介者は時代の守護者（サーヒブ・ッ・ザマーン）<sup>ccclxx</sup> である」と言っている。ザルトシュト教徒は、「我々の仲介者は、偉大な叡智と高い威厳と輝く靈魂を持ち、

ccclxviii ヘブライ語の *'lw* = 族長のペルシア語転写と考えられる。

ccclxix シリア語の *qs'* = 長老のペルシア語転写と考えられる。ここから、この当時のプロアスター教神官団と接触があつたのはシリア系のキリスト教徒と思われる。

あらゆる世人よりも強力で、正義を与えることにかけてはより正義である全ての者を上回る。また、仲介の時には創造者を見る。」と言っている。

(28 = UI-KB: 53) そして、この全ての高き威厳とフラワフルによって、彼らは彼に従うが、一部はそうではない。アフレマンの時代が来た時、彼に従っていた者も、彼の命令から手を引く。正義を与えようとしていた者も、私が述べたようだと知る。57年間は復活まで残っており、つまり、復活まで57年間あるのである。

(29 = UI-KB: 54) その57年間に、アフレマンを、死を作ったり人々を道から迷わせることから遠ざけ、彼の武器を溶かし、全てのものを彼の悪行から救う。この意味で四季と似ている。夏は現世と似ている。何故なら、もし望むなら、やれるのである(?)。

## 第8章：神の属性否定と超越神観を応用してのゾロアスター教的二元論の擁護

(30) <sup>ccclxxi</sup> 今日では、モーベドたちと賢者たちが一層少なくなったので<sup>ccclxxii</sup>、時間の回転と状況は別物にされている。私は、宗教(=ゾロアスター教)の<sup>アスル</sup>根幹を明らかにし、宗教に依拠していない人々が多くの言葉を聞き、彼の心に

---

ccclxx Majles 87947 UI-1, Majles 86908 UI-1, MR T-35 UI-1の表記 <sup>صحف</sup> を <sup>صاحب</sup> と修正。サーヒブ・ツ・ザマーンは12イマーム・シーア派の用語で、御隠れのイマーム・ムハンマド・アル・ムンタザル(874年幽隠)を指す。この修正が正しいとしたら、本書の成立年代は874年以降に特定される。

ccclxxi 第11～29節のUI-KBの抜粋がここで終わる。モーベダーン・モーベドによる直接話法が復活するので、ここから第10節で中断した『アーバーンの書』の続きが始まるものと考えられる。

ccclxxii アラブ人イスラーム教徒のイラン侵攻によって、ゾロアスター教徒が激減した状況を指すと考えられる。この部分の記述からも、『アーバーンの書』の成立年代は7世紀以降と推定される。

おける（宗教に対する）親密さが消滅しないようにし、彼らが天国的な道から逸れないようにし、至高なる神にこの濁世が不意に消滅するようにと救済を祈るようにする必要を感じる<sup>ccclxxiii</sup>。

(31) モーバダーン・モーバドは以下のように述べている。イーザドたちとアメシャースファンドたちは協力者たちの名だと言われており、至高なる神の名はイーザド<sup>ccclxxiv</sup>である。フルマズド<sup>ccclxxv</sup>とイーザド<sup>スィファト</sup>の属性は、誰にも<sup>タフスィール</sup>解説できない。ウールマズドには属性はない<sup>ccclxxvi</sup>。彼は純粋性、善性、光明性であって、悪性、暗黒性とは混じらない。インドの宗教と対立し<sup>ccclxxvii</sup>、我々ともこのように対立している人々（＝イスラーム教徒）は、善性と悪性は神から出ていると述べている。ザラートウシュト・エスファンタマーンは、虚偽、<sup>ザート</sup>压制、無知、抑圧、嘘を至高なる神の本質に帰させてはいない。

(32) そこで、我々は宗教（＝ゾロアスター教）に反対する人々に答えなくてはならない。私は以下のように言おう。我々はあなたたちの聖典（＝『クルアーン』）を、あなたたちは我々の聖典（＝『アヴェスター』）を信じないので、<sup>アスル</sup>宗教の基礎を明らかにするには、<sup>マーケールダリール プルハーン</sup>理性的論証と論拠なしではありえない。あなたたちは我々と宗教と例示に関して、神を知ることは<sup>アクル</sup>理性によらなくてはならない点について異論はない。答えは、もしも現世と現世にある全ては<sup>カウン・</sup>生成

ccclxxiii 『アーバーンの書』は、ゾロアスター教徒のイスラーム改宗を喰い止めようとの意図で執筆されたことが窺える。動機の上からは、9～10世紀のパフラヴィー語文献と軌を一にする作品である。おそらく、成立も同時期と考えられる。

ccclxxiv 後の文脈から類推すれば、ここにはオフルマズド（またはその変化形であるフルマズド、ウールマズドなど）が入るべきである。しかし、全ての写本が一致してイーザドと記している。これでは至高なる神が天使たちと同じ名前である。

ccclxxv オフルマズドを指す。

ccclxxvi 永遠性以外の神の属性を否定するのはムッタズィラ神学の思想。

ccclxxvii 何故、ここに「インドの宗教」が出現するのか不明、しかし、全ての写本が一致してこう記述している。

ファサード  
消滅を受け入れるなら、原因があることになり、神を知ることは出来ないの  
イッラ  
である。もしも存在者たちが至高なる神と創造者を見るなら<sup>ccclxxviii</sup>、創造され  
得たのである。そして、創造されたものには創造者が不可欠である。

そこで、敵（＝イスラーム教徒）には以下のように言うことが必然となる。  
即ち、創造者はなくてはならず、創造者は存在し、その創造者はヤズドである  
ことに同意するのである。そこで、我々は以下のように言おう。あなたたちが  
「サーニウ・アラム」<sup>ccclxxix</sup>と呼んでいる世界の創造者には、その名を「シャイ  
イ」<sup>ccclxxx</sup>という何かがあるのかないのか？ もしないと言え、（前に言ったこ  
との）否定である。我々はこれ以前に世界には創造者があることを論証してい  
るので、彼らは（そう）言わなくてはならないのである。「シャイイ」に言及さ  
れるなら、我々は（神の）「シャイイ」とは何かと言おう。我々はそれを「か  
れに比べられるものは何もない」<sup>ccclxxxi</sup>と呼ぼう。全てのものは、動物は植物の  
ようで、植物は鉱物であり、火は植物のようでなく、風は土のようでないのだ  
が、全てのものはそれ自体の本質を持っている。もしもそのものにどんな属性  
も本質もなく、形態も配置もないと言うなら、この言葉は理性にそぐわない。  
ザート  
賢者たちは、神は理性によって知られるとしており、彼を愛してい  
ムヒップ  
る<sup>ccclxxxii</sup>。我々が世界の創造者は「シャイイ」であると証明した以上、その「シ  
ヤイイ」は属性を持っている。しかし、世界のウラマーは、サーニウは物質性  
スィファト  
を持っていないとする<sup>ccclxxxiii</sup>。つまり、我々が論証によって理性的に知らしめ

<sup>ccclxxviii</sup> ここにも、UI-1 独特のムウタズィラ派的な見神論が語られている。

<sup>ccclxxix</sup> アラビア語で「世界の創造者」。但し、『クルアーン』には見出されない語である。

<sup>ccclxxx</sup> アラビア語で「或るもの」。しかし、後述のように哲学的な含意がある。

<sup>ccclxxxi</sup> 全ての写本の原文では كَلْبًا だが、これでは意味をなさない。6-3-4 参照。

<sup>ccclxxxii</sup> ハッラージュ（922 年没）以前のイスラーム神秘主義思想の中では、محب は  
神との親密さを強調する重要な術語である。ゾロアスター教では「神が愛する」と  
いう言い方はしないので、ここに 10 世紀初頭以前のバグダード系スーフィズムの  
術語の借用を看取することも可能。

<sup>ccclxxxiii</sup> 確実に擬人神観を否定するムウタズィラ派の思想である。

たこの「シャイイ」は、<sup>ジスム</sup>物質性を持っていないのである。もし、あの<sup>ジスム</sup>物質性の一部分が<sup>ビールーン</sup>外在化している（シャイイと物質が分離している）なら、それ（シャイイ）は<sup>ジャーン</sup>靈魂や<sup>アクル</sup>理性や<sup>ヌール</sup>光のように単一なものであり、ここにおいて（神の）「シャイイ」は「かれに比べられるものは何もない」なのである<sup>ccclxxxiv</sup>。

(33) 光は<sup>ヌール</sup>理性に似ず、<sup>アクル</sup>理性は<sup>ジャーン</sup>魂に似ず、<sup>ジャーン</sup>魂は至高なる神に似ないが故に、<sup>ザート</sup>神の本質は聖なるもので至高なるもので（ある）。もしも属性付けられていなければ、属性は否定であり、属性付けられていることが確立される。もしも属性付けられていれば、<sup>ジスム</sup>物質性はない。<sup>バスイート</sup>単一なものについて理性的に論証されているところでは、<sup>フィウル</sup>単一なものから2つの現勢は起こりえない。相反する2つの行動が単一なものに内包されることはありえない。恰も、太陽から光明と暗黒が、火から暖気と冷気が、水から湿潤と乾燥が（起こるように）。ウールマズド<sup>スイファト</sup>的な属性は、ザルトシュトが述べ、論証しており、何であるか疑問の余地はない。

(34) 先ず、これらの意見は理性的な論証に支えられていないのだが、我々は論証してみよう。即ち、「サーニウ・アーラム」は<sup>バスイート</sup>単一から構成されている。<sup>アクル</sup>理性的な法律によれば、<sup>カーヌーン</sup>囚われた<sup>フクム</sup>命令によって可能になるのであり、それは驚くにはあたら<sup>アクル</sup>ない<sup>ccclxxxv</sup>。そこで、我々は<sup>アクル</sup>理性によって捉えられる正しい論証を見るのである。

(35) 例えば、或る壁が泥と日干し煉瓦から出来ているというのは、その壁が木と水銀から出来ていると言われる以上、明らかに間違いである。また、何かが金と銀からできてきているというのは、それが絹からできていくと言われる以上、間違いである。我々には明らかに、世界には<sup>ローシャン</sup>光明的なものと<sup>ターリーク</sup>暗黒的なものの二つがあり、<sup>ニーク</sup>善的なものと<sup>バド</sup>悪的なもの、<sup>ドルーグ</sup>嘘と<sup>ラースト</sup>正義、<sup>シェキヤステ</sup>破壊と<sup>ドロスト</sup>正常、<sup>ゼンデガーン</sup>生命的

<sup>ccclxxxiv</sup> 神にあらゆる属性を否定するムッタズィラ派の思想を指していると考えられる。

<sup>ccclxxxv</sup> この一文は何を言っているのか、文意は不明である。

なものと死がある。全ての物事には、対極に反対物があるものである。もしも我々が正しく、一つの単一な本質からは2つの現勢が存在に至ることは不可能であり、誰もヤズドに全ての属性と悪なる諸現勢を帰することが不可能であるなら、必然的にこれら（＝悪なる諸現勢）はどこに由来するかを知らなくてはならない。もしも敵（＝イスラーム教徒）が、全ては自身の本質によって顕現すると言うのなら、創造者は必要なくなるだろう。

(36) これは、2つの方法から自由ではない。即ち、全ては神から顕現しているのであり、その神は自らの意欲で臨在し、自らの意思で幽隠する。神の王国<sup>ムルク</sup> <sup>ccclxxxvi</sup> とは、彼の意欲や意思によって<sup>ccclxxxvii</sup>、現勢や言葉や諸シャイイが顕現し、そしてまた無に帰するところである。この2つの方法は間違っている。何故なら、奇妙なしるしは創造者に相応しくなく、この論証は奇妙なのである。

(37) ザルトシュト・エスファンタマーンはこう述べている。アフレマンは存在しており、至高なるイーザドは全ての悪や非存在や悪を、世界と世界に住む者たちがある復活の日まで彼（＝アフレマン）の手に委ねた。彼（＝イーザド）は「言葉の表象」であろうとしている。復活に際しては、アフレマンは滅亡し、自身の悪も存在しなくなる。復活が明らかになり、その後は死、老年、欲望、苦痛、背信、虚偽は世界からなくなる。

(38) 今やイスラームのウラマー<sup>ccclxxxviii</sup> は、我々とこれらの議論に関して反対で、彼らは「状況がそのようだったら、あなたたちには2人の創造者が相応しい」と述べる。我々はこう言おう。創造者はヤズドであり、アフレマンを

<sup>ccclxxxvi</sup> 現象界を指すスーフイズムの用語。まさか Malak と読んで天使ではあるまい。  
<sup>ccclxxxvii</sup> 原文は全ての写本で *او ارادت و ابخواست* だが、「彼（神）の意欲や意思なしで、現勢や言葉や諸シャイイが顕現し」では、神の全面否定である。*بي* を *ب* に読み替え、*او ارادت و ابخواست* = 「彼の意欲や意思によって、現勢や言葉や諸シャイイが顕現し」と修正する。

<sup>ccclxxxviii</sup> UI-1 全編を通して「ウラマー・イエ・イスラーム」との文言が出現するのはここだけである。

無に帰させる。創造はヤズドに由来し、アフレマンは創造者と呼ばれるには相応しくない。我々によれば、彼は創造者ではない。我々は、理性的論証によって以下のように明らかにした。即ち、至聖・至高なるイーザドは単一な<sup>バスイート</sup> <sup>ジャウハル</sup> <sup>ccclxxxix</sup> で、彼から存在と非存在と言う2つの現勢<sup>フィウル</sup>はありえない。

### 第9章：実体・偶有論から理性的論証を語るゾロアスター教護教論

(39) 第4の論題<sup>ccxc</sup>。このようにして問答は続き、(課題が)明らかになるのである。以下のように問われている。「善行に<sup>サーニウ</sup>創造者がいて悪行に<sup>サーニウ</sup>創造者がいるとすると、2人の創造者は<sup>サーニウ</sup>理性に<sup>アクル</sup>そぐわないのではないか？」我々の答えは以下のものでなくてはならない。即ち、我々は<sup>アクル</sup>理性とは何かを知らねばならない。実体<sup>ジャウハル</sup>なのか偶有<sup>アラド</sup>なのか、限界<sup>ハッド</sup>があるのかないのか、全ての人間がこの<sup>アクル</sup>理性を持っているのかいないのか。もし実体<sup>ジャウハル</sup>だとすると、偶有<sup>アラド</sup>なしの実体<sup>ジャウハル</sup>はありえないし、そうでないとすると、偶有<sup>アラド</sup>は得られない。個人は全ての偶有<sup>アラド</sup>を得ず、我々も全ての偶有<sup>ccxcxi</sup>を得ず、我々にとってはこの点で全ての<sup>アクル</sup>理性が必要になるのである。もしそれ(理性)が偶有であると言うなら、偶有の核心は時間<sup>ccxcii</sup>を受容するので、<sup>アラド</sup>偶有は<sup>バーヤンデ</sup>永続的ではない。これは、<sup>アラド</sup>権威者(理性をもつ者)には相応しくない。

(40) <sup>アジャム</sup>イラン史にあるように、正義王ヌーシーラヴァーンは(宰相)プーザルジュ・メフルに<sup>アクル</sup>理性の<sup>ハッド</sup>限界とは何かを問うた。プーザルジュ・メフルが言う

ccclxxxix ジャウハルには、「実体」のほか、「原子」の訳語も可能。

ccxc 筆者の章分けに従えば、第3の論題のはず。書写生のミスか？

ccxcxi 全ての写本が <sup>عمر</sup>で一致しているが、 <sup>عرض</sup>に読み替える。

ccxcii 原文は <sup>زمان</sup>だが、 <sup>زمان</sup>と読み替える。この部分は、偶有が時間の生成消滅の影響下にあると述べた文章である。しかし、Dhabhar 1932, p. 448は敢えて <sup>زمانين</sup>(「時間」のアラビア語双数形)と読み替え、それぞれを「無限の時間」、「有限の時間」と取ってズルヴァーン主義的な意味付けを得ようとしている。しかし、写本によっては支持されていない読みである。イスラーム神学の文脈で、各実体(または原子)に付随する偶有は生成消滅することを指摘しただけと考えられる。

には、「誰もがその<sup>ハツド</sup>限界を知らず、私も知らないところのもの」である。つまり、いかなる<sup>マクールブルハーン</sup>理性者よりもその者の理性は高く、各宗派は自らの判断と能力の力によって（聖なる）言葉を集め、それを「<sup>マクールブルハーン</sup>理性的論証」と名付けるのである。これは（神の）<sup>フクム</sup>命令ではない。

また、こう考えるべきである。即ち、偉人たちや<sup>カースーン</sup>理性者たちは法律を定め、世界で明らかにした。偉大な大王たちや賢者たちはそれに従って行動した。そのようなことは荒唐無稽ではあり得ないと知るべし。例えば、プラトンは（彼の）時代に「テラスでの説明」<sup>ccccxiii</sup>で 4 <sup>チャハール タビッ</sup>元素を語った。イエスは三位一体論<sup>ccccxiv</sup>を語り、全ての<sup>タルサーヤーン</sup>キリスト教徒はその宗派に（属して）いる。ザラートシュユトはヤズダーンとアフレマンを語った。これらの偉人たちは、<sup>カースーン</sup>宗派の法律を世界に設けた。彼らは<sup>アクル</sup>理性の故に<sup>マクールブルハーン</sup>理性者であるのではない。（宗教的な超越の言葉を語ったのである。）しかし、彼らの言葉は「<sup>マクールブルハーン</sup>理性的論証」を欠いてはいない。

## 第 10 章：理性論から見る善神の最終的勝利の保証

(41) 今や、自分の物語に戻ろう。あなたは以下のように問うた。「善の<sup>サーニウ</sup>創造者は悪の<sup>サーニウ</sup>創造者を滅ぼせるか？ 悪の<sup>サーニウ</sup>創造者は善の<sup>サーニウ</sup>創造者を滅ぼせるのか否か？」もし我々が否と言ったら、<sup>ダリール</sup>論証的なものは驚くべき（不可能な）ものになるだろう。もし我々が可能と言ったら、「何故（今すぐに悪を滅ぼすように）しないのか？」と言われるだろう。彼らは自分自身で（問題を）設定するが、決して答えを考えはしない。

我々は以下のように答えよう。即ち、もし<sup>サーニウ</sup>創造者が悪で<sup>ニースティー</sup>善を非存在にしたら、2つの<sup>フィウル</sup>現勢を行ったことになる。とっくに言われたことだが、一つの<sup>バスイート</sup>単一

<sup>ccccxiii</sup> 原文は بيان بايون だが、Dhabhar 1932, p. 448 に従って、بيان بايون と読み替える。「テラスでの説明」で、アカデメイアの故事を指すと思われる。

<sup>ccccxiv</sup> 原文は「3つの気候帯」だが、キリスト教的に解釈して「三位一体論」と意識した。



な実体から二つの現勢はありえない。もし創造者が善で悪を非存在にしたら、悪意と死は相応しくない。もし創造者が善で悪を行ったとしたら、無法者で悪意がある。そこで、悪の創造者には自分の悪に囚われ、悪が彼から出て彼に帰るようになり、彼の悪は人類の損壊になる。復活に際しては、彼の悪は残らない。その理由は、人間は地獄で罰せられ、悪なる創造者由来の悲嘆や苦痛は極小にまで至り、悪の武器と彼の力は耐え切れずに消滅する。そして、アフレマンは非存在になるのである。

復活に際しては、彼（アフレマン）は非存在になり、彼の武器も消え去り、必然的に悪は善と混じって、全てが善となる。復活に際しては、アフレマンは消え去り、その後で全ては善となり、ヤズダーンの御心のままとなる。彼が言葉にしたことは理性者となるが、理性者は2つの理性を持ち、患者は1つ（の理性しか持たないの）である。当然、2は1よりも強力で、理性者の人間は明白な叡智を持つ。イスラーム教徒たちの宗教では、この意味は「内在理性」と「獲得理性」<sup>ccxcv</sup>と呼ばれている。そこで、確認されたことは、理性的人間は2つの叡智を持ち、患者は1つなのである。そして、当然ながら2は1よりも強力なのである。

最後に言うべきことは、患者と共にあることは無理で、彼は暗愚で彼の理性は不足しており、原則や正しい行動は持ちようがない。彼の言葉は法とならず、無頼を選ぶのである。これが患者への答えである。

ccxcv 「内在理性」, 「獲得理性」の区別はイスラーム神学の重要概念である。但し、一般に「内在理性 (علم ضرورى)」、「獲得理性 (علم اكتسابى)」と綴るのに対し、『アーバーンの書』では「内在理性 (عقل غريزى)」、「獲得理性 (عقل اكتسابى)」と綴られている。管見の及ぶ限りでは、このような用語が用いられる初例はアブー・ハーミド・ガザーリー (1111 年没) で、アシュアリー (935 年没)、アブドゥル・ジャッパール (1025 年没)、ファフルッディーン・ラーズィー (1209 年没) などには見られない。Al-Ajam 2000, p. 477, Samih 2001, 2002 参照。

## 第 11 章：結語

(42) 至高なるイーザドの栄光が全ての者への安寧と導きを増し、我々を全てから守り、我々がご自身の慈悲・慈愛からこれらの問いに堅固になりますように。

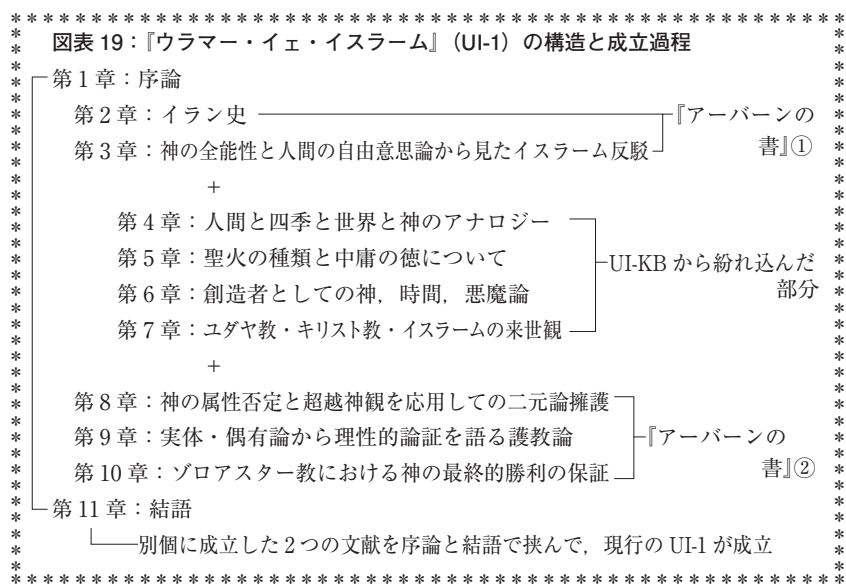
### 6-3. 『ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-1) の思想

6-3-1. 全体構造とムッタズィラ派との関係：Dhabhar 1932 は、「(UI-1 は) 思弁的で難解である」(p. 437) と述べつつも、「これら 2 つの論考 (UI-1 と UI-2) では、ズルヴァーン主義的理論が議論されている」(p. 438) と結論付けている。しかし、1938 年のイスタンブールでのアシュアリー著の『マカーラート・イスラミーヤ』写本の発見、1951 年のサヌアールでのアブドゥル・ジャッパールの写本の発見以降、アメリカ・カトリック大学のリチャード・フランク、フランス高等学院のダニエル・ジマレ、ベルリン自由大学のザビーネ・シュミトケなどによって、イスラーム神学研究は急速に進展した。これに伴って、UI-1 が何に対して反論しているかが明確になり、本稿では論旨の解釈を進めることができた。また、今回新たな UI-1 写本を蒐集して、Unvâla 1922 には見出せなかった読みを提出し、内容理解を修正できた。これらの先行研究に対する改善点については、Dhabhar 1932 と本稿を対比させて頂きたい。

以上の 2 つの角度からの成果を踏まえると、現行の UI-1 は、別個に成立した 2 つの文献を繋ぎ合わせて成立したと考えられる。その第 1 の部分は、『アーバーンの書』と命名されたイスラーム反駁文献に由来する第 2～3 章および第 8～10 章である。この部分はイスラーム神学系のアラビア語術語を多用しており、それらを全く含まない第 2 の部分と対照的である。現在知られている限りでは、パフラヴィー語にはここまでイスラーム的な文脈に即した思想表現の能力は備わっていない。従って、第 1 の部分は最初からアラビア文字表記の

近世ペルシア語で執筆されたと考えられる。

これに対して、第 2 の部分は、UI-KB から抜粋された第 4～7 章である。この部分が『アーバーンの書』を 2 分割して中間に挿入されることで現行の UI-1 が成立し、ひいては現行の UI-1 にズルヴァーン主義的な内容を加える結果になっている。しかし、筆者はいかにしてもこの 2 つの部分相结合した UI-1 の構成に、思想的関連や有意味的な脈絡を見付けることが出来なかった。寧ろ、UI-KB からの抜粋を省いた方が、イスラーム神学反駁文書として纏まった文献になる。筆者としては、UI-KB からの抜粋部分は、後世の錯簡ではないかと推測している。以上の分析から、UI-1 の構造と成立過程を図示すると、図表 19 が得られる。



6-3-2. 『アーバーンの書』とムッタズィラ派の関係：このような構造と成立過程の故に、『アーバーンの書』の分析はゾロアスター教ズルヴァーン主義研

究に直接は結び付かない。しかし、その代わり、ゾロアスター教神官がイスラーム神学に反論した文献として重要である。特に、『アーバーンの書』で使用されているアラビア語術語からは、本書はムッタズィラ派神学への反論を意図していると想定される。これが正しいとしたら、本書はムッタズィラ派思想に関する同時代資料としてかなりの価値を持つ。

何故なら、シュミトケ (Schmidtko 1998) とヘームシュケルク (Heemskerck 2000, pp. 13-71) によれば、ムッタズィラ派は 8 世紀のイラクで興り、9 世紀前半にアッバース朝のカリフ・マムーン (在位 811-833 年) の保護を受け、10 世紀後半にはブワイフ朝のイラン・ジバル地方政権の宰相サーヒブ・イブン・アッバード (995 年没) に擁護されて栄えたものの、11 世紀初頭にセルジューク朝によって禁止されてからは急速に衰えた。そして、11 世紀半ばにアシュアリー派神学がイスラーム神学の主流派の地位を独占した結果、書籍は湮滅され、後世の分派学者による記述の他には、内部資料は僅かな量しか残っていないのである。

その内部資料とは、第 1 に、1925 年にニーベルクが校訂し、1957 年にナーデルが再版したアル・ハイヤート (9 世紀末没) の『キターブ・アル・インテイスール』(Nyberg 1925, Nader 1957)、第 2 に、1951 年にサヌアールで発見されたアブドゥル・ジャッバール (1025 年没) の『ムグニー』(Hilmī 1961-65)、第 3 に、1983 年にエルシャーヘッドが校訂したタキーッディーン・ナジュラーニー (12 世紀末または 13 世紀初没) の『キターブ・アル・カーミル』(Elshahed 1983)、第 4 に、1991 年にマックデルモットが校訂したイブン・アル・マラーヒミー (1141 年没) の『キラブ・アル・ムッタマド』(McDermott 1991) である。則ち、アル・ハイヤートを除き、傍流学派に転落した後の文献しか現存しないのである。

だが、『アーバーンの書』の著者であるゾロアスター教神官は、ムッタズィラ派というイスラームの一神学派には興味がなかったはずである。彼にとって

は、イスラーム全体への反論が問題であった。ただ、『アーバーンの書』を執筆した際、当時のイスラームの主流神学がムッタズィラ派だったが故に、たまたま同派に反論したのだと考えられる。だとすると、『アーバーンの書』の執筆年代は、凡そ9世紀前半から10世紀後半と特定される。このような理由で、『アーバーンの書』は、現存資料がカバーしていない最盛期のムッタズィラ派神学に関する外部からの同時代資料と位置付けられる。以上のような歴史的状況を念頭に、以下では『アーバーンの書』の内容を、第1章第2節で指摘されている「4つの論題」に分けて整理してみよう。

- ・ 第1の論題（＝第3章）：神の全能性，預言者の必要性，人間の自由意思から見たイスラーム反駁
- ・ 第2の論題（＝第8章）：神の属性否定と超越神観を応用してのゾロアスター教的二元論の擁護
- ・ 第3の論題（＝第9章）：実体・偶有論から「創造者は善神のみ」とするゾロアスター教護教論
- ・ 第4の論題（＝第10章）：理性論から見る善神の最終的勝利の保証

**6-3-3. 神の全能性，預言者の必要性，人間の自由意思から見たイスラーム反駁**：第1の論題を扱う第3章は、ゾロアスター教徒が一神教全体を批判する際の常道として、<sup>フィウル</sup>悪の現勢の由来に関する問いから始まる。『クルアーン』にあるように、本当に神が「慈悲深く慈愛遍き」お方なら、<sup>フィウル</sup>悪の現勢もまた、神に由来してしまうとする反論である。

次いで、「神が全能だとすれば、全ては神が定めた<sup>タクディール</sup>予定の通りに物事が進行するから、預言者の必要がなくなる」という、ゾロアスター教徒のイスラーム反駁としては珍しい論点が提出される。そして、ゾロアスター教の優位性として、「人間に<sup>カーム</sup>意欲と<sup>アーザード</sup>自由を付与して創造し・・・神の<sup>フクム</sup>命令なしに行動できる」と指摘する。

即ち、『アーバーンの書』によれば、ゾロアスター教とイスラームの間には、神の全能性、預言者の必要性、人間の自由意思に関して、図表 20 のような対立軸が設定されている。そして、『アーバーンの書』の筆者が捉えたイスラーム神学の基本教義は<sup>タクディール</sup>予定説であり、対するゾロアスター教は人間の自由意思を説く教えであった。

\*\*\*\*\*

\* 図表 20：神の全能性、預言者の必要性、人間の自由意思に関するゾロアスター教と \*

\* イスラームの対立軸 \*

	運命と自由意思の問題		①悪の問題	②預言者は必要か
イスラーム	全ては神が定めた運命	→	悪も神に帰する	預言者は必要ない
ゾロアスター教	人間の意欲や自由を重視	→	神は悪を回避	預言者は必要である

\*\*\*\*\*

6-3-4. 神の属性否定と超越神観を応用してのゾロアスター教的二元論の擁護：第 2 の論題を扱う第 8 章を理解する上で重要なのは、3つのアラビア語術語

- ① 「サーニウ・アーラム」
- ② 「シャイイ」
- ③ 「لاكالاشا」

の解釈である。

まず、①「サーニウ・アーラム」の語は、<sup>ジャウハル</sup>原子を時間的に整理・統合して<sup>ジスム</sup>物質を形成し、そこから世界を構築する<sup>アーラム</sup>という意味の行為者名詞で、ムウタズィラ派の原子論的世界観を示しているとしていると考えられる。この点は、目新しいことはなく、論敵をムウタズィラ派と特定できるだけである。

次に、②「シャイイ」の語については、マックギル大学のロバート・ウィスノフスキーが新説を提唱している（Wisnovsky 2003, pp. 145-150）。彼によれば、イブン・スィーナ（1037年没）における存在（ウジュード）と本質（マー

ヒーヤ)の区別は、従来の説のように古代ギリシア哲学に直接遡るものではなく、9～10世紀のムッタズィラ派神学におけるマウジュードとシャイイの区別に由来する。しかし、存在概念がマウジュードからウジュードへ発展したとの説明は三語根が重なるので可能だとしても、本質概念をシャイイからマーヒーヤへの展開で説明するのは容易ではない。何故なら、ムッタズィラ派の内部資料がほとんどなく、具体的にどのような語義でシャイイという術語が使われていたかを確定させるのが難しいのである。ウイスノフスキー自身、バグダード系ムッタズィラ派が「シャイイとは存在以前からシャイイである」と主張していたというアシュアリーの記述を根拠に、存在以前に想定されるのだからそれは後代の哲学でいう本質概念に該当すると推定しているだけである。

だが、『アーバーンの書』第3章第32節には、ゾロアスター教神官から見たその当時のムッタズィラ派の「シャイイ」の概念が祖述されている。それによると、「全てのものは、動物は植物のようで、植物は鉱物であり、火は植物のようでなく、風は土のようでないのだが、全てのものはそれ自体の本質<sup>ザート</sup>を持っている」とされる。存在とは別の原理で、物事をそうであらしめる要素という意味で解説されているので、イブン・スィナーに影響を与えたかどうかは別にして、やはりウイスノフスキーが推測していたような「マーヒーヤ」と重なる含意を伴った術語だったと考えられる。

更に、『アーバーンの書』の記述は続く。「この「シャイイ」は、物質性<sup>ジスム</sup>を持っていないのである。もし、あの物質性<sup>ジスム</sup>の一部分が外在化<sup>ビールーン</sup>している（シャイイと物質が分離している）なら、それ（シャイイ）は靈魂<sup>ジャン</sup>や理性<sup>アクル</sup>や光<sup>ヌール</sup>のように単一<sup>バスイート</sup>なものである。」これに従えば、シャイイは物質性を離れても存在可能で、比喩的には「光のように単一」とされる。この光のアナロジーに、ムッタズィラ派神学の術語がイブン・スィナーの逍遙学派を飛び越えて、スフラワルデー(1191年没)の照明学派にまで達する影響力を持っていたと推論することも可能である。そして、『アーバーンの書』の著者の理論に従えば、ムッタ

ズィラ派が主張するように単一の「シャイイ」から成る神には複数の現勢はありえず、また、世界に善と悪の区別が存在している以上、神の方が2つであるべきなのである。

最後に③ لا كالا شيا だが、この綴りは意味をなさない。そのまま「ラーカーラーシャー」と発音しても、該当するパフラヴィー語やペルシア語の単語は見当たらない。Dhabhar 1932, p. 446 は لا كل اشيا と読み替え、アラビア語で「物質的でも精神的でもないもの」ととっている。しかし、このようなフレーズは、筆者が知る限りイスラーム神学の古典には存在せず、ゾロアスター教神官が敢えてアラビア語表記せねばならない理由に乏しい。寧ろ、当該個所が擬人神観を議論していることを考慮すれば、(偽)アブー・ハニーフアの『イスラーム信仰概論 (*Al-Fiqh al-Akbar*)』の中の有名な一句 لا كالا شيا 「(神は)他の何物でもないところのものである」を書き損じたのではないだろうか。(『イスラーム信仰概論』については、Wensinck 1932, pp. 102-124, 188-247 参照。)筆者は本書の校訂の良否について詳しくないので、この部分を確認し得た複数の刊本を挙げておく。Abū Hanīfah 1979, p. 2; Abū Hanīfah 1984, p. 55; (Ps.-)Abū Hanīfah 1997, pp. 16, 18 参照。

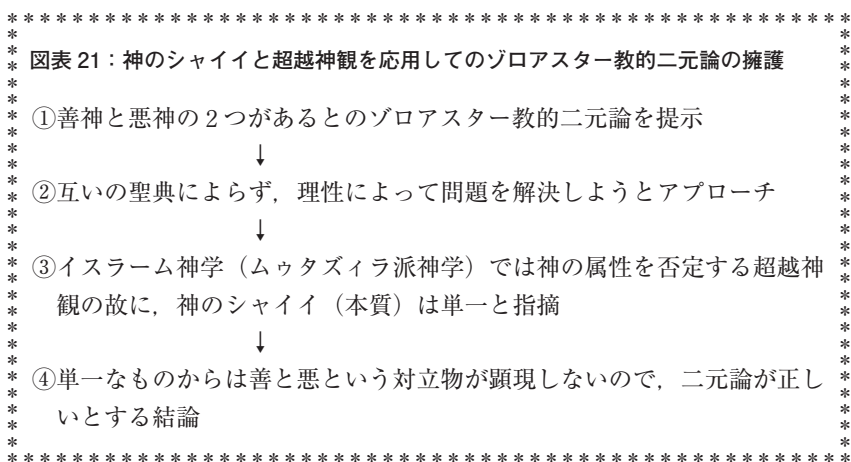
これは、『クルアーン』第42章第11節の ليس كمثل شئ 「かれに比べられるものは何もない。」(三田 1990年)、及び هو السميع البصير 「かれは全聴にして凡てを見透される方である。」(三田 1990年)との対比で、超越神観と擬人神観をどう調和させるかを論じる際には必ず引き合いに出される章句である。思想的課題としては、13世紀のイブン・アラビー(1240年没)まで持ち越されている。(Izutsu 1983, pp. 55-56 参照。)この語句を、アラビア語に不慣れなゾロアスター教徒書写生がヤウ1つ分だけ書き誤まり、それを19～20世紀のゾロアスター教研究者が解釈し損ねていたのだと思われる。

以上の3つのキーワードの理解を念頭に、第2の論題=第8章の文脈を復元してみよう。先ず、第30～31節は導入部分をなし、第1の論題=第3章と同



様に「神の本質には悪の要素はあり得ない」という古典的なゾロアスター教のイスラーム反論が掲げられている。続く第 32 節が本章の中心である。ここでは創造者の必然性を述べ、<sup>ザート</sup>理性による創造者の「シャイイ」規定を試みる。そして、「光の如く単一」というムッタズィラ派の「シャイイ」観を明らかにして、もしそうだとしたら、地上に善悪がある以上神は複数であるべきとする結論を導く。続く第 33～36 節では、創造者は属性を欠いて単一であるが故に、そこから 2 つの対立する要素が顕現することはないと述べ、最後に第 37～38 節で再びゾロアスター教の基本教義である二元論を補強する方向に回帰する。

即ち、第 8 章全体の論旨の流れは、二元論を擁護する為に、敢えて当時のムッタズィラ派神学におけるシャイイ論と『イスラーム信仰概論』の章句を逆用したものになっている。この論証を図示すると、図表 21 が得られる。



6-3-5. 実体・偶有論から理性的論証を語るゾロアスター教護教論：第 3 の論題を扱う第 9 章は論旨が完結しておらず、しかも前 2 章に比べて非常に短いので、『アーバーンの書』写本の中で最も文章の脱落が疑われる部分である。先ずは全体の構造を追ってみよう。

冒頭では、イスラーム神学者からの「2人の創造者は理性にとって相応しくない」との問い掛けが掲げられる。これに対して、ゾロアスター教神官は「理性は実体なのか偶有なのか」という角度から応答を試み、偶有は時間を受容するので永続的ではなく、理性は実体であると述べる。更に、理性と啓示の関係に言及して、プラトン、イエス、ザラートシュトは理性の故に啓示を語ったのではないが、彼らの啓示には理性的論証が具わっていると述べる。

だが、全ての写本に於いて、話はここで中断する。第41節以降はまたイスラーム神学者からの別の問い掛けが述べられているから、話題が転換したと見なくてはならない。しかも、その問い掛けは善と悪の創造者の存在を前提としているので（次節6-3-6参照）、本章の結論では善の創造者と悪の創造者の存在を擁護していると推定される。しかし、そのような結論部分に当たる記述はどこにも見られず、現存の写本からは、理性が実体であったとしてそれが2人の創造者の存在の肯定にどう結び付くのか、不明なままである。

**6-3-6. 理性論から見る善神の最終的勝利の保証：**第4の論題を扱う第10章の冒頭も、イスラーム神学者の「善の創造者と悪の創造者がいたとして、滅ぼせるのか？ 可能だとしたら何故、善の創造者は悪の創造者をすぐに滅ぼさないのか？」という問い掛けから始まる。これに対するゾロアスター教神官の応答はユニークである。第2の論題＝第8章で述べた「創造者のシャイイは単一であるが故に2つの現勢はあり得ない」との説明が、彼の回答の伏線になっている。即ち、ゾロアスター教神官によれば、善の創造者は純粹で単一の善から構成されており、悪の属性を欠く。従って善しか行い得ず、その結果「悪を滅ぼす」という悪事にも手を染められないのである。

上記のようにパラドクシカルな論理が展開した場合、善の創造者が悪の創造者をなかなか滅ぼさない理由は説明できる。善の創造者は、原理的に悪を攻撃できないのである。しかし、悪の創造者の悪は悪から出て悪に帰り、最終的に

自分自身を滅ぼすのであるから、善の創造者はそれまで時間の経過を待たば良いのである。ここに至って、善と悪の宇宙的な闘争と善の最終的勝利を説くゾロアスター教教義は、絶対平和を墨守する善神と、勝手に自滅する悪神のすれ違いの二元論に変質する。これが、ムッタズィラ派神学に反論しようと試みてゾロアスター教神官がその「本質単一論」の思考方法を吸収した結果、却ってゾロアスター教自体の終末論に変更を迫られた結果である。

6-3-7. イスラーム思想研究の文脈上の『アーバーンの書』：以上が、『アーバーンの書』の論旨に沿った分析である。ここからは、それをイスラーム思想研究の文脈に乗せて考察してみよう。その前提となるのは、本書の正確な執筆年代の確定である。これに関しては、本文中に4つの手掛かりが存在していた。

- ① 12 イマーム・シーア派史からの手掛かり：筆者が第7章第27節で行った **صحف** を **صاحب** とする修正が正当だとすれば、「御隠れのイマーム」の概念が発生した小ガイバの874年以降、または大ガイバの941年以降の成立である。
- ② イスラーム法学史からの手掛かり：筆者が第8章第32節で行った **لا كالأشأ** の修正が正当だとすれば、『イスラーム信仰概論』の成立年代が焦点になる。これについては、アブー・ハニーファ（767年没）による真作説（Abd Allah 1983）、アシュアリー（945年没）の作品説（Wensinck 1932, p. 240）、950年頃の偽作説（Wisnovsky 2003, p. 148）など、専門家の間でも意見が分かれている。
- ③ ゾロアスター教史からの手掛かり：第10章の末尾は、「愚者には何を言っても分からない」と終わっている。ゾロアスター教の頹勢を挽回するに至らなかった諦念の反映だとすれば、イランのゾロアスター教徒コミュニティが急速に衰退した10世紀の執筆と想定される。
- ④ イスラーム神学史からの手掛かり：全体の論旨はムッタズィラ派への反

論を意図しているから、イスラーム側の状況証拠からは、9世紀前半～10世紀後半の成立と思われる。

この中での不確定要素は、①の12イマーム・シーア派における「サーヒブ・ッ・ザマーン」の用例と、②の『イスラーム信仰概論』の成立年代である。筆者はこれらを確定させられないので、最大限に幅を取って9世紀後半から10世紀後半、もっと絞れば、おそらく10世紀後半を『アーバーンの書』の成立年代と推測できる。

次に、地理的には、イスラームの仲介者<sup>ミヤーンジー</sup>として「サーヒブ・ッ・ザマーン」を挙げていることから、知識人レベルだけでなく住民レベルで12イマーム・シーア派の影響力が強かった地域で執筆されたと思われる。12イマーム・シーア派研究者のモージャン・モーメンによれば、9世紀前半から10世紀後半までの時期では、それはイラク南部か、ゴム、ライイを中心とするイラン北部中央に特定される (Momen 1985, p. 72)。

最後に、反論対象であるムッタズィラ派の範囲をもう少し限定できる。上記の年代の範囲内のムッタズィラ派内部資料は、バグダード学派に属するアル・ハイヤートの『キターブ・アル・インティサール』しかない。そこで、本書と『アーバーンの書』を比較すると、相違点を1つ見出せる。即ち、「存在しないもの (ma'dūm) は、シャイイではなく、物質<sup>ジスム</sup>である」(Nader 1957, p. 23)との説明である。これは、『アーバーンの書』に於ける「シャイイは物質性<sup>ジスム</sup>を持っていない」との説明と喰い違い、これが成立するなら『アーバーンの書』のイスラーム反論は成立の余地がない。この点では、『アーバーンの書』はアル・ハイヤートとは別系統の(おそらくバスラ系の)ムッタズィラ学派を反論対象として想定していたのだと考えられる。

以上を総合すると、『アーバーンの書』は9世紀後半から10世紀後半に、イラク南部またはイラン北部中央に在住のゾロアスター教神官によって、イスラームへの反駁を意図してペルシア語で執筆された著作である。内容的にはムウ

タズィラ神学派への反駁になっており、この当時の同派に関する外部資料として貴重である。特に、シャイイというイスラーム神学術語の理解に関して新しい情報を提供しており、ムッタズィラ派のシャイイという概念がイスラーム哲学のマーヒーヤ概念の萌芽的な源泉になったという新説を強く支持する。

そして、この著作が偶々「モーベダーン・モーベドとイスラームのウラマーの論争」というスタイルの点で UI-KB と共通していたので、後世の書写生によって『ウラマー・イエ・イスラーム』という同一タイトルを冠せられたのだと考えられる。その為に、5世紀のズルヴァーン主義を扱う UI-KB と、9～10世紀のムッタズィラ派を扱う UI-1 が一括してバインドされてしまい、20世紀のゾロアスター教研究者の誤解を招くようなゾロアスター教ペルシア語写本の書写伝統が生じたのだと結論できる。

紙数の関係で、これに続く

7. 『別版ウラマー・イエ・イスラーム』(UI-2)の校訂と翻訳と思想
  8. 新出写本におけるその他のフラグメント
  9. 5～8世紀のアルメニア語・シリア語外部資料との比較
  10. 12世紀のアラビア語外部資料との比較
  11. 新校訂から明らかになったズルヴァーン主義の全体像
- の5点については、稿を改めて発表する予定である。

## 参考文献表

写本

イラン・イスラーム共和国議会図書館所蔵 Majles 86908 コーデックス

イラン・イスラーム共和国議会図書館所蔵 Majles 87947 コーデックス

ムンバイ大学ラージャバイ図書館所蔵 BUL Vol. LI コーデックス

K. R. カーマ東洋研究所内モッラー・フェーローズ図書館所蔵 B-VIII-3 コーデックス

メヘルジー・ラーナー図書館所蔵 T-35 コーデックス

刊本

Unvâlâ, Ervad Manockji Rustamji 1922: *Dârâb Hormazyâr's Rivâyât*, 2vols, Bombay.

翻訳・研究書

'Abd Allah, U. F. 1983: "ABŪ ḤANĪFA," *Encyclopaedia Iranica*, New York, <http://www.iranica.com/articles/abu-hanifa-noman-b>

Abū Hanīfah 1979: *Kitāb al-Fiqh al-Akbar*, Beirut.

——1984: *Sharh Kitāb al-Fiqh al-Akbar*, ed. by 'Alī al-Qārī al-Harawī, Beirut.

(Ps.)Abū Hanīfah 1997: *Al-Fiqh al-Akbar*, ed. by Mullā 'Alī ibn Sultān Muhammad al-Qārī, Beirut.

Al-Ajam, Rafic (ed.) 2000: *Encyclopedia of al-Ghazālī's Terminology*, Beirut.

Dhabhar, E. B. N. 1932: *The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz*, Bombay (reprint 1999).

Elsahed, Elsayyed 1983: *Das Problem der transzendentalen sinnlichen Wahrnehmung in der spätmu'tazilitischen Erkenntnistheorie nach der Darstellung des Taqīaddīn al-Naḡranī*, Berlin.

Heemskerck, Margaretha T. 2000: *Suffering in the Mu'tazilite Theology: 'Abd al-Jabbār's Teaching on Pain and Divine Justice*, Leiden / Boston / Köln.

Hilmī, Mustafā (ed.) 1961-65: *Al-Mughnī*, Kairo.

Izutsu, Toshihiko 1983: *Sufism and Taoism*, Tokyo.

McDermott, Martin (ed.) 1991: *Kitāb al-Mu'tamad fī Usūl al-Dīn*, London.

Momen, Moojan 1985: *An Introduction to Shi'ī Islam*, New Haven and London.

Nader, A. N. (ed.) 1957: *Kitāb al-Intisār wa al-Radd 'alā Ibn al-Rāwandī al-Mulhid*, Beirut.

Nyberg, H. S. (ed.) 1925: *Kitāb al-Intisār wa al-Radd 'alā Ibn al-Rāwandī al-Mulhid: Le livre du triomphe et de la refutation d'Ibn er-Rawendi l'hérétique*, Cairo.

Samih, D. (ed.) 2001: *Encyclopedia of Fakhr al-Dīn al-Rāzī's Terminology*, Beirut.

——(ed.) 2002: *Encyclopedia of al-Ash'arī's and 'Abd al-Jabbār's Terminology*, Beirut.

Schmidtke, Sabine 1998: "Neuere Forschungen zur Mu'tazila unter besonderer Berücksichtigung der späteren Mu'tazila ab dem 4./10. Jahrhundert," *Arabica*, tome XLV, pp. 379-408.

Wensinck, A. J. 1932: *The Muslim Creed: Its Genesis and Historical Development*, London.

Wisnowsky, Robert 2003: *Avicenna's Metaphysics in Context*, New York.

三田了一 (訳) 1990年: 『日垂対訳注解聖クラーン』, 宗教法人日本ムスリム協会。

謝辞

本稿作成に当たっては、12 イマーム・シーア派については吉田京子氏（東京大学大学院人文社会系研究科イスラム学科助教）のご教示を頂き、写本調査では森下信子氏（東京大学大学院イスラム学科博士課程）のご協力を得ました。また、ヘブライ語とシリア語の解説に当たっては、三津間康幸氏（東京大学大学院総合文化研究科学術研究員）のご教示によりました。厚くお礼を申し上げます。

# A Study on Zurvanite Zoroastrianism 2: Collecting and Editing MSS of ‘*Ulamā-ye Islām* and its Comparison with early Islamic Mu’tazilite Theology

Takeshi AOKI

This paper is the sequel to “A Study on Zurvanite Zoroastrianism 1: Collecting and Editing MSS of ‘*Ulamā-ye Islām* and its Comparison with Manichaeism and Dualistic Zoroastrianism,” *The Memoirs of Institute for Advanced Studies on Asia*, No.158, pp. 166(115)~78(203), 2010. In that paper I edited a Persian treatise ‘*Ulamā-ye Islām* as the only surviving work from Zurvanite point of view. But this same title has another version dealing with not Zurvanite thought in the fifth century, but a refutation against early Islamic theology Mu’tazilite from Zoroastrian point of view. Although the Persian text is published in lithograph in 1922, no critical editions exist thus far. To address this situation, I have collected independent MSS of that treatise both already known in Mumbai (3) and Navsari (1) and unknown in Tehran (2) and Hyderabad (1), then papered the stemma codicum of this another version of ‘*Ulamā-ye Islām* too and established an Urtext that could account for the variants.

This Urtext reveals some unknown aspects of early history of Islamic theology from Zoroastrian criticism against a concept of *Shayy* of Mu’tazilite. It must be noted that the origin of the concept *Māhīyah* (essence) has been debated at the context of Islamic philosophy and some scholar supposed early Mu’tazilite theologians first introduced *Shayy* as the meaning of essence and this may be the origin of *Māhīyah* of Ibn Sīnā (d.1037) without any textual evidence. But now this another version of ‘*Ulamā-ye Islām* unexpectedly proves that early Mu’tazilite theologians used this term as the meaning of essence, we can safely conclude that direct origin of *Māhīyah* is not ancient Greek philosophy but early Mu’tazilite theology.